



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

نایب‌ترین حکایت

حضرت امام‌زاده‌ای که تعالی فرموده الشریف
از مجموعه کتاب‌های "نعمی از ۱۳۸۷"

حسن صفورزاده تهرانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ناجی جهان حضرت صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

نویسنده:

حسن صفر زاده تهرانی

ناشر چاپی:

فرهنگستان اندیشه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	ناجی جهان حضرت صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	فهرست
۲۱	پیش گفتار
۲۲	مقدمه
۲۶	بخش اول
۲۶	ميلاد امام زمان
۲۶	مقدمه
۲۷	داستان ميلاد
۳۱	بخش دوم
۳۱	سیمای امام مهدی در قرآن کریم
۳۱	اشاره
۳۱	آیه یک: بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ
۳۲	آیه دو: أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ
۳۳	آیه سه: مَاءٍ مَّعِينٍ
۳۴	آیه چهار: إِنَّهُ كَانَ مُنْصُورًا
۳۴	آیه پنج: وَ نَجْعَلُهُمْ أُيُّمَةً
۳۵	آیه شش: قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ
۳۵	آیه هفت: لِيُظْهَرَ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
۳۶	آیه هشت: أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ
۳۶	آیه نه: وَالْعَقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ
۳۷	ده: لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ

۳۸	یازده: یُهْدِي اللّٰهُ لِنُوْرِهِ مَن يَّشَاء
۳۹	دوازده: رُكِّنِ شَدِيْدٍ
۴۰	بخش سوّم -
۴۰	غیبت امام زمان
۴۰	مقدمه
۴۱	علل و عوامل غیبت
۴۱	اشاره
۴۲	اول: آزمایش مسلمانان در پایبندی و پایداری به دین
۴۳	دوّم: آزادی امام مهدی از بیعت طاغوت های زمان
۴۵	سوّم: حفظ جان حضرت امام مهدی
۴۵	چهارم: عدم آمادگی بشر برای حکومت جهانی
۴۶	پنجم: بی توجهی به واقعه غدیر
۴۹	ششم: آماده نبودن یاران
۴۹	اشاره
۵۱	امروز کسانی می توانند امام زمان را یاری کنند که:
۵۳	بخش چهارم
۵۳	انتظار فرج حضرت امام زمان
۵۳	اشاره
۵۳	گروه اول: نشسته به انتظار
۵۶	گروه دوم: آماده به انتظار
۵۶	گروه سوم: یار منتظر
۵۸	بخش پنجم
۵۸	منشور اخلاقی انتظار فرج
۵۸	مقدمه
۵۸	اشاره
۶۰	اول: شیفته دانش و معرفت

۶۰	دوم: دین باور
۶۰	سوم: متدین
۶۱	چهارم: متعهد
۶۱	پنجم: متعبد
۶۲	ششم: مخلص
۶۲	هفتم: وارسته
۶۲	هشتم: متعادل
۶۲	نهم: عزتمند
۶۳	دهم: تسلیم
۶۳	یازدهم: بصیر
۶۳	دوازدهم: انقلابی
۶۳	سیزدهم: آمر به معروف
۶۴	چهاردهم: کاردان، آزموده و خبره
۶۴	پانزدهم: مسئولیت پذیر
۶۴	شانزدهم: خودساخته و مهذب
۶۵	هفدهم: آماده
۶۵	هجدهم: منتظر واقعی
۶۶	بخش ششم
۶۶	تمدن مهدوی و حکومت جهانی حضرت مهدی
۶۷	مقدمه
۶۸	مدینه فاضله مهدوی و جامعه آرمانی اسلام
۷۰	در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی
۷۱	انسان در تمدن مهدوی و حکومت جهانی
۷۵	بخش هفتم
۷۵	پیوند راهپیمایی اربعین با حکومت جهانی
۷۵	مقدمه

۷۶	مصادیق پیوند راهپیمایی با حکومت جهانی
۷۶	اول: سرمایه های انسانی آماده
۷۶	دوم: هم صدایی (وحدت و برادری بین ملل اسلامی)
۷۷	سوم: زندگی مسالمت آمیز بین مسلمانان
۷۷	چهارم: آشنایی با چهره واقعی شیعه
۷۸	پنجم: آشنایی با رهبری حکومت جهانی
۷۸	ششم: نمونه قابل ارائه
۸۰	بخش هشتم
۸۰	آیاتی که به امام زمان تطبیق یا تفسیر شده است
۹۸	منابع
۱۰۱	درباره مرکز

ناجی جهان حضرت صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

مشخصات کتاب

سرشناسه: صفرزاده تهرانی، حسن، 1341-

عنوان و نام پدیدآور: ناجی جهان حضرت صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف/نویسنده حسن صفرزاده تهرانی؛ گردآوری اکرم ویسی؛ به اهتمام موسسه فرهنگی پژوهشی قرآن و عترت صبح روشن.

مشخصات نشر: اصفهان: فرهنگستان اندیشه، 1402.

مشخصات ظاهری: 84ص.

فروست: ... مجموعه کتاب های "نمی ازیم".

شابک: 3-63-6620-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر با حمایت دفتر مطالعات و پژوهش های بنیاد فرهنگی بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه و الشریف) به چاپ رسیده است.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: محمدبن حسن (عجل الله تعالی فرجه و الشریف)، امام دوازدهم، 255ق -

Muhammad ibn Hasan, Imam XII: موضوع

شناسه افزوده: ویسی، اکرم، 1366-، گردآورنده

شناسه افزوده: موسسه قرآن و عترت صبح روشن

شناسه افزوده: بنیاد فرهنگی بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه و الشریف). دفتر مطالعات و پژوهش های فرهنگی اجتماعی

رده بندی کنگره: BP51

رده بندی دیویی: 297/959

شماره کتابشناسی ملی: 9373537

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

تقدیم به پیروان راستین امام زمان

و منتظران واقعی

خاصه رهبر کبیر انقلاب اسلامی

و شهدای مسیر ظهورش

ص: 3

در حقیقت منتظر واقعی

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است

که نزدیک به 12 قرن، منتظر است

تا این آمادگی در پیروانش بوجود آید.

بجای این که دنبال علائم ظهور بگردیم

نهایت سعی و تلاش خود را برای اصلاح خود

و برای یار واقعی شدن

و برای شایستگی بکار ببندیم

انتظار فرج، یک عمل است.

یعنی مقدمات فرج و ظهور را با عمل فراهم نمودن.

اگر برای ظهور باید آموزش دید، آزموده و خیره شد، تمرین کرد، کادر سازی نمود و یا باید مبارزه کرد؛ همه منتظران باید در دایره فردی، گروهی و حکومتی آن را انجام دهند.

ص: 4

پیش گفتار. 9

مقدمه. 10

بخش اول. 14

میلااد امام زمان. 14

مقدمه. 14

داستان میلاد. 15

بخش دوم. 19

سیمای امام مهدی در قرآن کریم. 19

آیه یک: بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.. 19

آیه دو: أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ. 20

آیه سه: مَاءٍ مَّعِينٍ.. 21

آیه چهار: إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا 22

آیه پنج: وَنَجَعَلَهُمْ أَئِمَّةً. 22

آیه شش: قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَرَهَقَ الْبَاطِلُ. 23

آیه هفت: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ. 23

آیه هشت: أَنْ الْأَرْضَ يَرْتُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. 24

آیه نه: وَالْعَقَبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.. 24

ده: لَيْسَتْخَلِفْنَهُمْ فِي الْأَرْضِ... 25

یازده: يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ. 26

دوازده: رُكُنٍ شَدِيدٍ. 27

بخش سوم، 28

غیبت امام زمان، 28

ص: 5

علل و عوامل غیبت... 29

اول: آزمایش مسلمانان در پایبندی و پایداری به دین. 30

دوم: آزادی امام مهدی از بیعت طاغوت های زمان. 31

سوم: حفظ جان حضرت امام مهدی.. 33

چهارم: عدم آمادگی بشر برای حکومت جهانی.. 33

پنجم: بی توجهی به واقعه غدیر. 34

ششم: آماده نبودن یاران. 37

امروز کسانی می توانند امام زمان را یاری کنند که: 39

بخش چهارم. 41

انتظار فرج حضرت امام زمان. 41

گروه اول: نشسته به انتظار. 41

گروه دوم: آماده به انتظار. 44

گروه سوم: یار منتظر. 44

بخش پنجم. 46

منشور اخلاقی انتظار فرج.. 46

مقدمه. 46

اول: شیفته دانش و معرفت... 48

دوم: دین باور. 48

سوم: متدین. 48

چهارم: متعهد. 49

پنجم: متعبد. 49

ششم: مخلص... 50

هفتم: وارسته. 50

ص: 6

هشتم: متعادل. 50

نهم: عزتمند. 50

دهم: تسلیم. 51

یازدهم: بصیر.. 51

دوازدهم: انقلابی.. 51

سیزدهم: آمر به معروف... 51

چهاردهم: کاردان، آزموده و خیره. 52

پانزدهم: مسئولیت پذیر. 52

شانزدهم: خودساخته و مهذب.. 52

هفدهم: آماده. 53

هجدهم: منتظر واقعی.. 53

بخش ششم. 54

تمدن مهدوی و حکومت جهانی حضرت مهدی.. 54

مقدمه. 55

مدینه فاضله مهدوی و جامعه آرمانی اسلام. 56

در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی.. 58

انسان در تمدن مهدوی و حکومت جهانی.. 59

بخش هفتم. 63

پیوند راهپیمایی اربعین با حکومت جهانی.. 63

مقدمه. 63

مصادیق پیوند راهپیمایی با حکومت جهانی.. 64

اول: سرمایه های انسانی آماده. 64

دوم: هم صدایی (وحدت و برادری بین ملل اسلامی) 64

سوم: زندگی مسالمت آمیز بین مسلمانان. 65

ص: 7

چهارم: آشنایی با چهره واقعی شیعه. 65

پنجم: آشنایی با رهبری حکومت جهانی.. 66

ششم: نمونه قابل ارائه. 66

بخش هشتم. 68

آیاتی که به امام زمان تطبیق یا تفسیر شده است... 68

منابع. 86

ص: 8

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتاب "ناجی جهان" در 8 بخش به موضوعاتی از قبیل: داستان میلاد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیمای امام زمان در قرآن کریم، عوامل غیبت، عوامل طولانی شدن غیبت، انتظار فرج، منشور اخلاقی انتظار فرج، مشخصه‌ها و شایستگی‌های منتظر واقعی، وظائف منتظر واقعی، زمینه‌های ظهور، تمدن مهدوی و مصلح جهانی، حکومت جهانی آن بزرگوار پرداخته است.

کتاب "ناجی جهان" از مجموعه کتاب‌های "نمی از یم" به قلم دانشمند ارجمند حجت الاسلام والمسلمین حسن صفرزاده تهرانی، تدوین و به اهتمام مؤسسه فرهنگی پژوهشی قرآن و عترت صبح روشن و با حمایت مالی و معنوی خیر محترم، منتشر شده است و به عاشقان و منتظران و یاران واقعی حضرت صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که برای کسب شایستگی، تلاش می‌کنند و آماده جانفشانی برای ظهور هستند، تقدیم می‌گردد.

مؤسسه فرهنگی پژوهشی قرآن و عترت صبح روشن

شهریور 1402 _ ایام اربعین 1445

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بقیة الله الاعظم حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خطاب به پیروان: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَقْعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»⁽¹⁾؛ اما در رویدادها و پیشامدهایی که رخ می دهد، باید به راویان حدیث و «علما» مراجعه کنید، زیرا آنها حجت بر شما هستند و من حجت خدا برایشان هستم.

در راستای اجرای فرمان امام زمان عجل الله تعالی، همواره عالمان دین در مراجعه مردمان و انجام وظیفه خطیر پاسخ گویی به مردمان پیش قدم بوده اند و نهایت سعی و تلاش خود را بکار گرفته اند. و اضافه بر این وظیفه خطیر، عالمان دین برای زمینه سازی ظهور منجی و مصلح جهانی، در مقابل طواغیت زمان خود ایستاده و مردم را در مبارزه بر علیه طواغیت زمان، دعوت و هدایت کرده اند.

بر این اساس آن چه مبارز خستگی ناپذیر، سید جمال الدین اسدآبادی، در مبارزه با استعمار و اسباب عقب ماندگی جامعه اسلامی انجام داد و جهان اسلام را به خیزش علمی و پایداری در برابر استعمار غرب فرا خواندن و آن چه آیت الله حاج سید محمد حسن حسینی معروف به میرزای شیرازی، بخاطر دفاع از کیان اسلام و مسلمین، در مقابل استعمار انگلیس ایستاد و فتوای تحریم تنباکو را صادر فرمود:

ص: 10

1- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، باب 45، ص 484.

«بسم الله الرحمن الرحيم. اليوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان، در حکم محاربه با امام زمان صلوات الله و سلامه علیه است»، همه در راستای زمینه سازی ظهور منجی و مصلح جهانی بوده است.

و آن چه آیه الله حاج سید محمد کاظم یزدی، در دفاع از کیان اسلام و مسلمین، بر علیه اشغال کشورهای اسلامی خاصه عراق و ایران در جنگ جهانی اول، فتوای جهاد داد: «بسم الله الرحمن الرحيم، بر عموم مسلمین واجب است از بذل جان و مال در راه اخراج قوای روس و انگلیس از ایران، هیچ فروگذار نکنند» و در این راه فرزند بزرگوارش حضرت آیت الله حاج سید محمد طباطبائی یزدی در حمله سختی که به قوای انگلیس شد به شهادت رسید، در همین راستا بوده است.

و آن چه آیه الله حاج میرزا محمد تقی شیرازی، میرزای دوم، پس از جنگ جهانی اول بر علیه استعمار انگلیس قیام کرد با فتوای حرمت حکومت غیر مسلمان به مسلمانان را صادر کرد و لرزه بر ارکان حکومت استعماری انگلیس افکند و با فتوای جهاد فصل جدیدی در مبارزات مسلمانان بر علیه استعمار و اجانب گشود، در همین راستا بوده است.

و آن چه حضرت آیت الله حاج سید ابوالقاسم کاشانی در جنگ جهانی اول و دوم، در مبارزه با رژیم غاصب اسرائیل، در نهضت مشروطه و در مبارزه با استعمار و استبداد پهلوی به عنوان خط شکن نبرد علمای شیعه ایستاد و سرانجام با تلاش و فداکاری این عالم بزرگوار آرزوی دیرینه ملت ستمدیده ایران، به ثمر نشست و صنعت نفت ملی شد و دکتر مصدق به نخست وزیر رسید و یا حضرت آیت الله سید حسن مدرس با شعار «سیاست ما عین دیانت ماست» به میدان آمد و با نطق های کوبنده و آتشین با استعمار انگلیس و روس و استبداد شاهنشاهی مبارزه کرد و در نهایت جان شریف خود را بر سر این راه نهاد و به دست عوامل رضا شاه به شهادت رسید، همه و همه در راستای زمینه سازی ظهور منجی و مصلح جهانی بوده است.

آری سال هاست که مصلح و منجی بشریت و جان جهان منتظر است تا با مردانی شایسته در تراز جهانی ظهور کند و وعده الهی را در تحقق مدینه فاضله محقق سازد. مردانی که در سایه سار قدرت الهی و با آمادگی کامل در مسیر ظهورش قیام کنند.

حضرت امام خمینی یکی از آن مردان الهی است که تربیت یافته مکتب امام زمان است، آن بزرگوار در همین راستا پیا خواست تا به نمایندگی از ناجی بشریت، تاثیر ذره کوچکی از قدرت امام عصر را به منصف ظهور بکشاند و به جهانیان ثابت نماید که می شود با انتظار صحیح، در مقابل تمام مستکبران به ظاهر قدرتمند عالم ایستاد و جهان را برای پرچمداری صاحب العصر و الزمان، آماده ساخت.

مرجع عالیقدر جهان اسلام و تشیع، حضرت امام خمینی، به عنوان یار واقعی و منتظر حقیقی، با درک صحیح از فرمان امام زمان، در تراز جهانی قیام کرد و انقلاب اسلامی را برای زمینه سازی ظهور منجی و مصلح جهانی رهبری کرد و به پیروزی رساند.

حضرت امام خمینی، با انقلاب اسلامی، به همه نشان داد که «آمادگی برای ظهور» چگونه است و یاران و منتظران چگونه باید در تراز جهانی، زمینه ساز ظهور منجی و مصلح بشریت باشند.

بر این اساس است که حضرت امام خمینی کشور را، کشور امام زمان می خواند و انقلاب اسلامی را زمینه ساز ظهور می شمرد و می فرمود: «امیدوارم که این نهضت و این انقلاب منتهی بشود به ظهور امام عصر سلام الله علیه»

و از آن بالاتر و مهمتر کشور و انقلاب را در حمایت و عنایت امام زمان می خواند و می فرمود: «امروز سایه اسلام روی سر شماست؛ امام زمان به شما نظر دارد، پیغمبر اکرم به شما نظر دارد، خدای تبارک و تعالی پشتیبان شماست... روی موازین مادی، روی موازین عادی باید با یک یورش، ما از بین رفته باشیم. باید همه ما یک لقمه آنها باشیم! لکن قدرت ایمان، پشتیبانی خدای تبارک و تعالی، اتکال به ولی عصر سلام الله علیه شما را پیروز کرد».

و به همین دلیل معمار کبیر انقلاب اسلامی جشن میلاد آن امام همام را، بزرگترین جشن برای جهانیان می دانست و می فرمود: «باید بگوییم که عید شعبان، عید تولد حضرت مهدی سلام الله علیه، بزرگترین عید است برای تمام بشر».

پس بیاییم برای ظهور، شایسته ترین یار و بهترین منتظر باشیم و با آمادگی کامل برای زمینه سازی فرج و ظهور، همه یک پارچه قیام کنیم که این تنها وظیفه علما و بزرگان نیست بلکه وظیفه همه ما است و باید دغدغه همگانی شود.

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

محمد سعید صفرزاده تهرانی

شهریور 1402 _ ایام اربعین 1445

ص: 13

امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف مشهور به مهدی موعود، ملقب به قائم آل محمد، دوازدهمین و آخرین امام شیعیان، در سحرگاه نیمه شعبان سال 255 هجری قمری در سامرا، دیده به جهان گشود و در سن پنج سالگی، در هشتم ربیع الاول سال 260 هجری قمری، به امامت رسید.

امام زمان همچون حضرت عیسی و حضرت یحیی که در سنین کودکی عهده دار نبوت شده بودند، «آتاه الله الحُکم صبیاً» (1) در پنج سالگی، منصب امامت شیعیان را عهده دار شد.

امام زمان به استناد آیات و روایات؛ دارای بیش از 300 اسم و لقب است که هر یک بر بُعد خاصی از شخصیت و ویژگی های اخلاقی و روحی آن حضرت دلالت دارد. اسامی و القاب مشهور امام زمان عبارت است از: مهدی، قائم، حجت، منتظر، موعود، بقیة الله، حجت الله، ولی الله الاعظم، خاتم الاوصیا، صاحب الزمان، صاحب الامر، صاحب العصر (2).

ص: 14

1- .سوره مریم، آیه 12.

2- . الطبرسی النوری، نجم ثاقب در احوال امام غایب، ج 1، باب الثانی.

ملیکا نوه ی دختری شمعون، وصی حضرت عیسی علیه السلام می گوید: پدرم قیصر پادشاه روم، خواست که مرا به عقد پسر عمویم در آورد؛ مراسم جشنی بر پا کرد و از حواریون عیسی و علمای نصاری و صاحبان منزلت و سرداران و سر کرده های قبائل بی شمار دعوت نمود. در آن مجلس با شکوه، هنگامه عقد، تخت پادشاهی و جایگاه مراسم به یکباره فرو ریخت و میهمانان از ترس جان خود گریختند و کشیشان ناتوان از اجرای عقد متحیر ماندند و مجلس بهم خورد.

بعد از مدتی من شبی حضرت مسیح علیه السلام و جدم شمعون وصی آن حضرت و جمعی از حواریون را در خواب دیدم که در مجلسی مجلل با منبری سر به فلک کشیده از نور، جمع شده بودند. ناگاه جمعی نورانی وارد مجلس شد، حضرت مسیح و دیگران برای تعظیم و اجلال به استقبال آنان درآمدند. آن جمع نورانی حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم و علی بن ابی طالب علیه السلام و اوصیای آن حضرت بودند.

بعد از آن که مراسم استقبال به خوبی صورت گرفت، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت مسیح علیه السلام فرمود: یا روح الله آمده ایم تا ملیکا فرزند وصی تو شمعون را برای فرزندم خواستگاری کنم، آن گاه به ماه برج امامت و ولایت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام اشاره نمودند. سپس حضرت مسیح به وصی خود شمعون فرمود شرف دو جهان به تو روی آورده است، نسل خود را به نسل آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیوند زد و شمعون پذیرفت.

آنگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بر آن منبر نورانی برآمد و با حضرت مسیح خطبه انشا فرمودند و مرا به عقد امام حسن عسکری علیه السلام در آوردند و در آن هنگام من از آن رویای صادق

بیدار شدم ولی از آن خواب که گنجی گران بها بود با کسی سخن نگفتم اما آتش محبت آن خورشید امامت روز به روز در کانون سینه ام مشتعل می شد و سرمایه ی صبر و قرارم را می ربود.

مدتی گذشت شبی در خواب، حضرت مریم را با هزار حوری بهشتی دیدم که بانوی بزرگواری را خدمت می کردند همه به دیدنم آمدند آنگاه حضرت مریم سلام الله علیها آن بانوی مجلله را معرفی کرد: او سیده ی زنان عالم فاطمه زهرا سلام الله علیها مادر شوی توست. اشک چشمانم را فراگرفت به دامانش افتادم و از رنج فراغ فرزندش شکایت کردم آن بانوی مجلله فرمود: چگونه فرزندم به دیدن تو آید و حال آنکه به دین مبین اسلام مشرف نشده ای؟ آنگاه آن بزرگ بانو در این رویای صادق مرا به دین مبین اسلام دعوت نمودند و با اشارت آن حضرت شهادتین را به زبان جاری کردم: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ». پس از اقرار به شهادتین حضرت مرا به سینه خود چسبانید و دلداری داد و من از رویای صادق بیدار شدم و در بیداری کلمه طیبه شهادتین را مرتب به زبان می راندم و در خواب همواره به دیدار آن امام همام مشرف می شدم.

ایام بدین منوال گذشت تا آنکه حادثه ای پیش آمد و سفیر امام هادی علیه السلام بشیر بن سلیمان از نوادگان ابویوب انصاری و از شیعیان خاص آن بزرگوار، نامه آن حضرت را که به خط رومی و به مهر آن حضرت مزین بود، به من داد و مرا به خدمت آن حضرت در سامرا در آورد و امام هادی پس از نام گذاری من به نرجس، مرا به دست خواهرش حکیمه سپرد تا از واجبات و سنت های دین پیاموزم و پس از آن مرا به ازدواج فرزندش امام حسن عسکری درآورد.

حکیمه خاتون می گوید: شبی به دیدن امام حسن عسکری علیه السلام مشرف شدم، حضرت فرمودند نزد ما امشب بمان در این شب فرزندی متولد خواهد شد که به اذن خدا زمین را به علم و ایمان و هدایت مزین نماید و بشریت را از ضلالت و کفر و الحاد رهایی بخشد.

حکیمه خاتون می گوید: من هیچ اثری از حمل در حضرت نرجس ندیدم لذا متحیر ماندم آنگاه آن بزرگوار فرمود: نرجس، مثل مادر موسی است که تا هنگام ولادت احدی از حال او مطلع نگردید تا از شرّ فرعون و ماموران او در امان بماند و برای اینکه نرجس و فرزندش از کشته شدن در امان باشند به اذن خدا آثار حمل نمایان نیست و صبح هنگام آثار حمل نمایان خواهد شد.

حکیمه خاتون می گوید: آن شب نزد آن بانوی عزیز و بزرگوار ماندم و صبح دم هنگامی که به نماز شب ایستادم آن بانو از خواب بیدار شد و پس از اقامه نماز شب آثار حمل نمایان گردید، من به دستور امام سوره *إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ رَا بَرَا* را برای او تلاوت کردم، هنگام تلاوت دیدم صدایی مرا همراهی می کند قدری دقت کردم دیدم صدای طفل است که با من سوره *«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»* (1) را می خواند.

در آن هنگام آن بزرگوار متولد شد در حالی که شهادتین را بر زبان جاری کرد: *«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ»*. آنگاه *يَا أَمَانَ* را بر شمرد و سپس فرمود: *«اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدَتِي وَأَتَمِّمْ لِي أَمْرِي وَثَبِّتْ وَطَأْتِي وَامْلَأْ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْ طًا»*؛ خدایا به وعده ای که به من فرموده ای، وفا کن و امر امامت مرا کامل کن و قدرت انتقام از دشمنانت را به من عنایت کن و زمین را به وسیله من از عدل و داد پر کن.

وقتی مولود را به حضرت امام حسن عسکری دادم، دیدم که بر بازوی راستش نوشته شده بود: *«جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»* (2). آنگاه حضرت به پدر سلام کرد و پس از استعاذه فرمود: *«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي*

ص: 17

1- . سوره قدر، آیه 1.

2- . سوره اسراء، آیه 81.

الأَرْضِ وَنَجَعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (1)؛ ما می خواستیم بر کسانی که در زمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان مردم و وارثان زمین گردانیم و حکومتشان در زمین را پابرجا سازیم.

آری اراده خداوند تبارک و تعالی بر این تعلق گرفته بود که در میان همه خطرها و دشمنی ها، منجی بشریت بیاید، بماند و جهان را پر از عدل و داد نماید. ان شاء الله (2).

السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ

ص: 18

1- .سوره قصص، آیه 5.

2- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص 428.

برای شناخت بهتر و بیشتر سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن کریم، به بیان برخی از آیات پرداخته می شود.

آیه یک: بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

حضرت هود علی نبینا وعلیه السلام خطاب به قوم خود می فرماید: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»⁽¹⁾؛ آنچه خدا بر شما باقی گذارد برای شما بهتر است اگر واقعا به خدا ایمان دارید.

احمد بن اسحاق قمی روایت کرده است که از امام حسن عسکری علیه السلام در باره امام بعدی آن بزرگوار سؤال کردم و برای آن علامتی که قلبم را مطمئن سازد خواستم در این هنگام کودکی که در دست آن بزرگوار بود فرمود: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»⁽²⁾؛ من بقیه الله در زمین هستم.

ص: 19

1- . سوره هود، آیه 86.

2- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 331.

همچنین محمد بن مسلم روایت کرده است که امام باقر علیه السلام پس از بیان برخی از علایم ظهور، فرمود: «فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجَ قَائِمِنَا فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكُعْبَةِ وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشْرَ رَجُلًا وَأَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَتُهُ وَحُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ فَلَا يَسْلَمُ عَلَيْهِ عَلَيْهِ مُسْلِمٌ إِلَّا قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» (1)؛ در آن هنگام، قائم ما ظهور می کند، وقتی که ظهور کرد، به کعبه تکیه می دهد و سیصد و سیزده نفر دور او جمع می شوند، و اولین حرفی که می زند، این آیه است: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (2)؛ سپس می گوید: من، بقیه الله و خلیفه او در زمین و حجت خدا بر شما هستم، پس از آن هیچ مسلمانی بر او سلام نمی دهد، مگر این که می گوید: «السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» (3).

آیه دو: اَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ

در سوره نمل، در ضمن پنج آیه 60 تا 64 با مطرح کردن پنج سؤال به صورت استفهام تقریری مشرکان را تحت محاکمه قرار داده و روشن ترین دلایل توحید را با اشاره به دوازده نمونه از مواهب بزرگ خدای مهربان، بیان می کند. و در سؤال سوم آیه 62 می فرماید: «أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ» (4)؛ آیا معبودهای بی ارزش شما بهتر است یا کسی که دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد؟ و شما را خلفای زمین قرار می دهد. آیا معبودی با خدا وجود دارد؟

ص: 20

- 1- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 331.
- 2- . سوره هود، آیه 86.
- 3- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج 16، ص 331.
- 4- . سوره نمل، آیه 62.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: «نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ هُوَ وَاللَّهُ الْمُضَدَّ طَرُفًا إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رَكَعَتَيْنِ وَ دَعَا اللَّهَ فَأَجَابَهُ وَ يَكْشِفُ الشُّوْءَ وَ يَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ» (1)؛ این آیه درباره قائم آل محمد علیه السلام نازل شده است. به خدا سوگند! مضطر اوست، هنگامی که در مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز می خواند و به درگاه خدا روی می آورد و دعا می کند، خدا دعای او را اجابت می کند، ناراحتی های او را برطرف می سازد و او را خلیفه روی زمین قرار می دهد.

آیه سه: ماء معین

سوره ملک، آیه 30 آمده است: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (2)؛ بگو: به من خبر دهد اگر آب های سرزمین شما در زمین فرو رود، چه کسی می تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟

ابو بصیر در تفسیر آیه از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که آن بزرگوار فرمود: «هَذِهِ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ يَقُولُ إِنْ أَصْبَحَ إِمَامُكُمْ غَائِبًا عَنْكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيْنَ هُوَ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ ظَاهِرٍ يَأْتِيكُمْ بِأَخْبَارِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَ حَلَالِ اللَّهِ وَ حَرَامِهِ، ثُمَّ قَالَ: وَ اللَّهُ مَا جَاءَ تَأْوِيلُ الْآيَةِ وَ لَا بُدَّ أَنْ يَجِيءَ تَأْوِيلُهَا» (3)؛ این آیه درباره امام قائم نازل شده است، می گوید: اگر امام شما غایب گردد، و ندانید کجاست، چه کسی برای شما امام ظاهر می آورد که اخبار آسمان ها و زمین، و حلال و حرام خدا را برای شما شرح دهد؟ سپس امام فرمود: به خدا سوگند! تأویل این آیه هنوز نیامده و سرانجام خواهد آمد.

ص: 21

1- . المجلسی، بحار الأنوار، ج 51، ص 48.

2- . سوره ملک، آیه 30.

3- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 326.

آیه چهار: إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا

سوره اسراء، آیه 33 آمده است: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا»⁽¹⁾؛ و آن کسی که مظلوم کشته شده، برای ولی اش سلطه و حق قصاص قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکند؛ چرا که او مورد حمایت است.

از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه روایت شده است که فرمود: «ذَلِكَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ يَخْرُجُ فَيَقْتُلُ بِدَمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَوْ قَتَلَ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمْ يَكُنْ مُسْرِفًا»⁽²⁾؛ منصور قائم آل محمد است که ظهور می کند و در مقابل خون حسین علیه السلام عده ای را می کشد، به فرض اگر همه اهل زمین را بکشد، اسراف کننده نخواهد بود.

آیه پنج: وَ نَجَعَلَهُمْ أُمَّةً

در سوره قصص، آیه 5 و 6 آمده است: «وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»⁽³⁾؛ ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پایجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را از آنها بیم داشتند، نشان دهیم.

ص: 22

1- . سوره اسراء، آیه 33.

2- . شیخ حر عاملی، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، جلد 5، صفحه 152.

3- . سوره قصص، آیه 5 و 6.

از حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه مذکور روایت شده است که فرمود: «هُم آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَ يَذِلُّ عَدُوَّهُمْ»⁽¹⁾؛ مستضعفان مذکور در این آیه، آل محمد هستند. خدای متعال مهدی آنان را بعد از زحمت و فشاری که بر ایشان وارد می شود، برمی انگیزد و به آنان عزت می دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می کند.

آیه شش: قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ

در سوره اسراء آیه 81 آمده است: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»⁽²⁾؛ و بگو: حق آمد، و باطل نابود شد؛ یقیناً باطل نابود شدنی است.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه مذکور فرمود: «إِذَا قَامَ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ»⁽³⁾؛ هنگامی که امام مهدی علیه السلام قیام کند، دولت باطل برچیده می شود.

آیه هفت: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

در سوره توبه، آیه 33 آمده است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»⁽⁴⁾؛ او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر ادیان دیگر غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.

ص: 23

1- . الطوسی، کتاب الغیبة للحجة، ج 1، ص 184.

2- . سوره اسراء، آیه 81.

3- . المجلسی، بحار الانوار، ج 24، ص 313.

4- . سوره توبه، آیه 33.

عبد الرحمان بن سلیط از امام حسین علیه السلام روایت می کند که فرمود: «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمْ النَّاسِيعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يَحْيِي اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَيُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَا وَكْرَةَ الْمُشْرِكُونَ»⁽¹⁾؛ دوازده هدایت شده از ما خاندان هستند. اولشان امیر مؤمنان علی بن ابی طالب و آخرشان نهمین نفر از نسل من است، و اوست امام قائم به حق که خدا به وسیله او زمین را بعد از مرگش زنده می کند و او دین حق را بر تمام ادیان غالب می سازد.

آیه هشت: أَنْ الْأَرْضُ يَرِثَهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ

در سوره انبیاء آیه 105 آمده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»⁽²⁾؛ و ما بعد از تورات در زبور داوود نوشتیم که بندگان نیکوکار من وارث زمین خواهند شد.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: «هُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»⁽³⁾؛ ایشان اصحاب مهدی در آخر الزمان هستند.

آیه نه: وَالْعَقَبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

در آیه 128 سوره اعراف آمده است: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»⁽⁴⁾؛ موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوید و پایداری

ص: 24

1- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص 317.

2- . سوره انبیاء، آیه 105.

3- . شیخ حر العاملی، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، جلد 5، صفحه 146.

4- . سوره اعراف، آیه 128.

ورزید، که زمین از آن خداست؛ آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌دهد؛ و فرجام نیک برای پرهیزکاران است.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: «وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ: إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، وَأَنَا وَأَهْلُ بَيْتِي الَّذِينَ أَوْرَثْنَا الْأَرْضَ، وَنَحْنُ الْمُتَّقُونَ، وَالْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا»⁽¹⁾؛ در کتاب علی یافته ایم که: همانا زمین از آن خداوند است و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد به ارث می‌دهد و فرجام از آن پرهیزکاران است، و من و خاندانم همانان هستیم که خداوند زمین را به ما به ارث داده و ماییم پرهیزکاران. همه زمین از آن ماست.

ده: لَيْسَتْ خَلْفَتُهُمْ فِي الْأَرْضِ

در آیه 55 سوره نور آمده است: «وَعَدَالِلُهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيْسَتْ خَلْفَتُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»⁽²⁾؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین خود قرار دهد، همان گونه که پیش از آنان را جانشین قرار داد. و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ به یقین نافرمانند.

ص: 25

1- . عیاشی، تفسیر العیاشی، ج2، ص 25، ح66.

2- . سوره نور، آیه 55.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: «الْقَائِمُ وَ أَصْحَابُهُ»⁽¹⁾؛ این آیه درباره ی حضرت قائم و یارانش نازل شده است.

بازده: يَهْدِي اللّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ

در آیه 35 سوره نور آمده است: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ»⁽²⁾؛ خدا نور آسمان ها و زمین است، وصف نورش به مشکاتی ماند که در آن چراغی روشن است و آن چراغ در میان شیشه ایست که تالویش چون ستاره ای درخشان است، از درخت مبارک زیتون که نه شرقی است و نه غربی اما شرق و غرب جهان بدان فروزان است و بی آن که آتشی به روغن آن برسد، خود به خود برافروزد و جهانی را روشنی بخشد، پرتو آن نور حقیقت بر روی نور معرفت فرار گرفته است. و خدا هر که را خواهد به نور خود هدایت کند و این مثل ها را خدا برای مردم هوشمند می زند که به راه معرفت هدایت یابند و خدا به همه امور داناست.

امام علی علیه السلام جمله «يَهْدِي اللّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ» را به حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر کرده است⁽³⁾.

ص: 26

1- . النعماني، الغيبة للنعماني، ص 240

2- . سوره نور، آیه 35.

3- . البحراني، المحجة فيما نزل في القائم الحجج (عليه السلام)، ص 149. <https://pdf.lib.eshia.ir/96162/1/149>.

در آیه 80 سوره هود از زبان حضرت هود آمده است فرمود: «قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ»⁽¹⁾؛ کاش برای مقابله با شما قدرتی داشتم یا به تکیه گاهی استوار پناه می جستیم.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه می فرماید: «الْقُوَّةُ الْقَائِمُ وَالرُّكْنُ الشَّدِيدُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشْرٌ»⁽²⁾؛ منظور از قُوَّةً، حضرت قائم است و منظور از، رُكْنِ شَدِيدٍ؛ سیصد و سیزده تن یاران او می باشند.

آیات فراوانی در روایات به حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق یا تفسیر شده است که در بخش هشتم به آن اشاره شده است.

ص: 27

1- . سوره هود، آیه 80.

2- . المجلسی، بحار الأنوار، ج 12، ص 158.

خلیفه غاصب عباسی می دانست تنها فرزند امام حسن عسکری، جانشین پدر است و منجی و دارای حکومت جهانی است؛ لذا در صدد برآمد تا آن بزرگوار را بیابد و به شهادت برساند، از این رو تولد و کودکی امام زمان مخفی نگه داشته شد و جز چند تن از یاران خاص، کسی توفیق زیارت آن بزرگوار را پیدا نکرد.

شروع امامت امام زمان با غیبت صغرا شروع شد و با غیبت کبری ادامه یافت و پس از دوره طولانی غیبت و فراهم شدن شرایط فرج، برای برپایی حکومت جهانی صلح و عدل، ظهور خواهد کرد.

دوران غیبت صغرای امام زمان حدود 70 سال طول کشید و دوران غیبت کبری از سال 329 هجری قمری شروع شده است و هم اکنون ادامه دارد.

در دوران غیبت صغرای امام زمان چهار تن به ترتیب عثمان بن سعید عمری به مدت 5 سال، محمد بن عثمان بن سعید به مدت 40 سال، حسین بن روح نوبختی به مدت 21 سال و علی بن محمد سمری

به مدت 4 سال؛ نیابت آن بزرگوار را به عهده داشتند و پس از فوت چهارمین نائب، غیبت کبری شروع شد(1).

در دوران غیبت صغری، چهار نایب امام زمان، توسط خود حضرت تعیین گردیدند و به همین دلیل به آنان نواب خاص می گویند و اما در دوران غیبت کبری، کسانی که شرایط تعیین شده از سوی آن بزرگوار را دارا باشند، نایب امام زمان خواهند بود که به آنان نواب عام و ولی فقیه می گویند.

اما شرایط تعیین شده برای نواب عام امام زمان، در توقیع شریف آن بزرگوار آمده است که فرموده باشد: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُوَاهِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»(2)؛ اما در رویدادهای زمانه، به راویان حدیث ما رجوع کنید. آنان، حجت من بر شمایند و من، حجت خدا بر آنانم.

علل و عوامل غیبت

اشاره

بر اساس برخی روایات حکمت و فلسفه واقعی غیبت حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اسرار الهی بیان شده است. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می فرماید: «يَا جَابِرُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ، وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ، مَطْوِيُّ عَنْ عِبَادِ اللَّهِ، فَإِيَّاكَ وَالشَّكَّ فِيهِ فَإِنَّ الشَّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كُفْرٌ»(3)؛ ای جابر! این امر از امور الهی و سری از اسرار ربوبی و مستور از بندگان خدا است، مبدا در آن شک کنی که شک در امر خدای تعالی کفر است.

ص: 29

1- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 510 تا 516.

2- . همان، ج 2، ص 484.

3- . همان، ج 1 ص 288.

امام صادق در جواب عبدالله بن فضل هاشمی در باره علت غیبت امام زمان فرمود: «إِنَّ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ كَمَا لَا يَنْكَشِفُ وَجْهُ الْحِكْمَةِ لَمَّا أَتَاهُ الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ خَرَقِ السَّفِينَةِ وَقَتْلِ الْغُلَامِ وَإِقَامَةِ الْجِدَارِ لِمُوسَى عَلَى نَبِينَا وَعَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا وَقْتَ افْتِرَاقِهِمَا يَا ابْنَ الْفَضْلِ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَغَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ وَمَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهَا كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَإِنْ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ» (1)؛ فرمود: حکمت غیبت قائم بعد از آمدن خود او ظاهر می شود، چنان که حکمت سوراخ کردن کشتی توسط خضر و کشتن آن بچه و تعمیر دیوار، برای حضرت موسی ظاهر نگشت، مگر موقعی که خواستند از هم جدا شوند. ای فرزند فضل! این کار از کارهای خداست و سری است از اسرار خدا، و غیبی است از غیب های خدا، وقتی که می دانیم خدای عز و جل حکیم است و کارهایش از روی حکمت انجام می گیرد، تصدیق می کنیم که همه کارهای او حکمت است، اگر چه سببش برای ما روشن نشود.

با آن که حکمت و فلسفه واقعی غیبت حضرت امام مهدی، از اسرار الهی بیان شده است؛ با این حال در روایات برخی از علل و عوامل بازگو شده است که به آن اشاره می شود.

اول: آزمایش مسلمانان در پابندی و پایداری به دین

یکی از علل و عوامل غیبت حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آزمایش مسلمانان در پابندی و پایداری آنان به دین و ولایت است. غیبت آن بزرگوار سبب می شود تا مؤمنان در ایمان

ص: 30

1- . الكوراني العاملي، معجم أحاديث الإمام المهدي: ج3، ص358.

خالص شوند و حد و اندازه ایمان مؤمنان مشخص گردد و نفاق پنهان منافقین و ایمان حقیقی شیعیان آشکار و مؤمن از منافق جدا شود.

پیامبر گرامی در این باره به جابر می فرماید: «ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شِعْبَتِهِ وَأَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يَبْتُ فِيهَا عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ»⁽¹⁾؛ او همان کسی است که از دید شیعیان غایب می شود و آن قدر غیبتش طول می کشد که غیر از گروهی که امتحان خود را داده اند و بر ایمان ثابت ماندند؛ همگان از پیروی او دست بر می دارند.

در روایت دیگری از امام حسین علیه السلام آمده است که می فرماید: لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَثْبُتُ فِيهَا آخَرُونَ فَيُؤَدُّونَ وَيَقَالُ لَهُمْ: «مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ». أَمَا أَنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَالتَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»⁽²⁾؛ برای حضرت مهدی غیبتی است که گروهی در آن مرحله مرتد می شوند و گروهی ثابت قدم می مانند و اظهار خشنودی می کنند. افراد مرتد به آنها می گویند: «این وعده کی خواهد بود اگر شما راستگو هستید؟» ولی کسی که در زمان غیبت در مقابل اذیت و آزار و تکذیب آنها صبور باشد، مجاهدی است که با شمشیر در کنار رسول خدا جهاد کرده است.

دوم: آزادی امام مهدی از بیعت طاغوت های زمان

یکی دیگر از علل و عوامل غیبت حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آزادی از بیعت طاغوت های زمان است به

ص: 31

1- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 253، ح 3.

2- . المجلسی، بحار الأنوار، ج 51، ص 133.

گونه ای که بیعت هیچ حاکمی بر عهده آن بزرگوار نیست تا در زمان ظهور آزادانه قیام کند.

در روایت شیخ صدوق رحمة الله علیه آمده است امام حسن مجتبی علیه السلام بعد از مصالحه با معاویه و اعتراض برخی به آن حضرت فرمود: «وَيَحْكُمُ مَا تَدْرُونَ مَا عَمِلْتُ، وَاللَّهِ الَّذِي عَمِلْتُ خَيْرٌ لِّشَرِيْعَتِي مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ أَوْ غَرَبَتْ أَلَّا تَعْلَمُونَ أَنِّي إِمَامُكُمْ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ عَلَيْكُمْ وَأَحَدٌ سَدَّ يَدَيَّ شَدَّ بَابَ أَهْلِ الْجَنَّةِ بِنَصِّ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيَّ قَالُوا بَلَى»؛ وای بر شما نمی دانید که من چه کردم، به خدا سوگند آنچه را من انجام دادم برای شیعیان از آنچه خورشید بر او طلوع و غروب کرده بهتر است. آیا نمی دانید که من امام شما هستم که اطاعت بر شما واجب است؟ آیا من یکی از دو آقای جوانان اهل بهشت به تصریح رسول خدا نیستم؟ گفتند: آری.

سپس در ادامه فرمود: «أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ الْخَضِرَ لَمَّا خَرَقَ السَّفِينَةَ وَأَقَامَ الْجِدَارَ وَقَتَلَ الْغُلَامَ كَانَ ذَلِكَ سَخَطًا لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ إِذْ خَفِيَ عَلَيْهِ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ حِكْمَةً وَصَوَابًا»؛ آیا نمی دانید خضر هنگامی که کشتی را سوراخ و دیوار را برپا کرده و پسر را کشت، مورد غضب موسی بن عمران قرار گرفت به جهت آن که حکمت آن را نمی دانست؛ در حالی که این عمل نزد خداوند متعال کاری درست و مطابق حکمت بود.

أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَيَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاغِيَةِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ الَّذِي يَصَلِّي رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ حَلَفَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَخْفِي وَلَا دَتَهُ وَيَغِيبُ شَخْصَهُ لِيَنَالَا يَكُونُ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ»⁽¹⁾؛ آیا نمی دانید که هر یک از ما بر گردن خود بیعت طاغوت زمان خود را داریم، جز قائمی که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می گزارد. خداوند عزوجل ولادت او را مخفی خواهد نمود و شخصش

ص: 32

را غایب خواهد کرد تا آنکه بر گردن او از جانب هیچ کس هنگام خروج بیعت نباشد.

سوم: حفظ جان حضرت امام مهدی

یکی دیگر از علل و عوامل غیبت حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حفظ جان امام زمان و محفوظ ماندن آن بزرگوار از شرّ جباران و ستمگران است و اگر آن بزرگوار می ماند و غیبت نمی کرد؛ سرانجام سرنوشت او همانند سرنوشت پدران بزرگوارش خواهد بود و به یقین آن حضرت پیش از آن که آن هدف و آرمان بزرگ به دست او تحقق یابد کشته می شد.

زراره از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که آن بزرگوار در باره حضرت مهدی فرمود: «إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ»؛ همانا برای حضرت قائم پیش از آن که ظهور کند غیبتی هست. سپس زراره از آن بزرگوار در باره علت غیبت سؤال می کند و حضرت می فرماید: «إِنَّهُ يَخَافُ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ يَعْنِي الْقَتْلَ»⁽¹⁾؛ زیرا او میترسد-و با دست اشاره به شکم اش فرمود- یعنی از کشته شدن میترسد.

چهارم: عدم آمادگی بشر برای حکومت جهانی

یکی دیگر از علل و عوامل غیبت حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و طولانی شدن آن، عدم آمادگی بشر برای حکومت جهانی و تمدن مهدوی است.

بشر با تمام مواهب طبیعی و خدادادی، با تمام رشد و ترقی، با تمام پیشرفت و تمدن، با تمام علم و دانش؛ هنوز با فقر و گرسنگی، با

ص: 33

1- . الشيخ الكليني، الكافي - ط الاسلاميه، ج 1، ص 238.

بیچارگی و بدبختی، با دروغ و نیرنگ، با فساد و فحشا، با قتل و غارت، با اعتیاد خانمان سوز و با هزاران نابسامانی دیگر، دست و پنجه نرم می کند.

رنج ها و آسیب های رسیده به بشر، ظلم ها و ستم های تحمیل شده بر بشر، فساد و فحشای هوار شده بر گرده بشر، دروغ و نیرنگ های رسوخ کرده در زندگی بشر، بی عدالتی های حاکم بر جامعه بشری و بحران های گوناگون؛ جان بشر را به لب آورده است.

همه این ها، بخاطر بی خردی و بی ایمانی است. بشر امروز نه از ناحیه خرد و نه از ناحیه ایمان به رشد کافی نرسیده است و گویی در دوران توحش زندگی می کند و هنوز دوران طفولیت خود را می گذراند.

امروز ضعف عقل بشر را به بدبختی و بیچارگی و ضعف ایمان بشر را به فلاکت و انحطاط کشانده است و خلاصی از این همه نابسامانی، نیاز به رشد بشر در همه زمینه ها دارد و تا این رشد تحقق پیدا نکند؛ زمینه حکومت جهانی، محقق نخواهد شد و بدیهی است که اگر آن حضرت پیش از فراهم شدن مقدمات فرج، ظهور کند، آن آرمان بزرگ و آن تمدن جهانی، عملی نخواهد بود.

پنجم: بی توجهی به واقعه غدیر

یکی از مهمترین علل و عوامل غیبت حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و طولانی شدن آن، بی توجهی به واقعه غدیر است. به شهادت تاریخ همواره مسلمانان در امر امامت و ولایت کوتاهی کرده و بی توجه بوده اند و ثمره این بی توجهی و کوتاهی، مصائبی است که بر اسلام و مسلمین واقع شده است.

آیا غیر از این است که کوتاهی و بی توجهی نسبت به امر ولایت و امامت، اسلام را از رونق انداخته و مصائب جبران ناپذیری را بر جهان

اسلام وارد کرده است؟ ثمره این کوتاهی و بی توجهی نسبت به واقعه غدیر، شهادت ائمه اطهار علیهم السلام، یکی پس از دیگری است. ثمره این کوتاهی و بی توجهی، غیبت دوازدهمین اختر فروزان ولایت و امامت و محرومیت از وجود نازنین و مقدس آن حجت الهی و آن منجی و مصلح جهانی است و امروز ما بی توجه به عوامل غیبت، در انتظار نشسته ایم.

آیا غیر از این است که کوتاهی و بی توجهی نسبت به شعائر دین و خاصه رویداد مقدس غدیر، عاشورا به وجود آورد و امام را به مسلخ برد و فاجعه ی کربلا را رقم زد و شیعه را عزادار کرد؟ و امروز ما عزاداری می کنیم و کاری به غدیر نداریم.

اگر در خانه آتش گرفت، پهلو شکست، فرزند سقط شد و اگر خلافت غصب گردید و قطب دایره ی امکان خانه نشین شد و اگر جنگ جمل، صفین و نهروان براه افتاد و اگر مولی الموحدین به شهادت رسید و شیعه عزادار شد؛ همه به خاطر همین کوتاهی ها و بی توجهی ها بوده است.

اگر صلح دلخراش بر خورشید درخشان امامت و ولایت تحمیل شد و سبط اکبر و پاره ی تن پیامبر با زهر کین به شهادت رسید و اگر صحنه ی دلخراش کربلا به وجود آمد و عاشورا قلب بشریت را جریحه دار کرد و اگر امام و یارانش چاک چاک شدند و بر پیکر آنان سم ستوران راندند و سرهای قدسیان همه بر نیزه ها برفت و اگر خاندان عصمت و طهارت چون اجانب در کوچه و بازار کوفه و شام به اسارت رفتند و شیعه عزادار شد؛ همه به خاطر همین کوتاهی ها و بی توجهی ها بوده است.

عزاداری بخاطر کوتاهی و بی توجهی نسبت به واقعه غدیر، بر شیعه تحمیل شد و امروز همان کوتاهی و انحراف گریبان گیر مراسم ما شده است؛ به شکلی که ما برای فاجعه ی دلخراش کربلا و شهادت

جان‌گداز سید و سالار شهیدان عزاداری می‌کنیم (که به حق باید عزادار باشیم) اما نسبت به غدیر بی‌توجهیم و از علت عزادار شدن و مصیبت دیدن غافل شدیم. متأسفانه امروز ما گرفتار همان بلیه‌ای شدیم که ما را عزادار کرد و اگر این کوتاهی و بی‌توجهی نسبت به واقعه غدیر ادامه یابد، هم تکرار عاشورا را و هم ادامه‌ی غیبت و محرومیت از وجود نازنین امام زمان را به دنبال خواهد داشت.

زنده‌نگه داشتن شایسته‌ی عید سعید غدیر، تنها به کمپین جشن و شادی نیست، تنها به اکرام مؤمنین بر سر سفره اطعام نیست! آری اطعام روز عید سعید غدیر، شاد کردن مؤمنین در روزه عید غدیر، روزه گرفتن و صدقه دادن در روز عید غدیر؛ بسیار فضیلت و ثواب دارد و در روایت‌های بسیاری بر آن توصیه و تأکید شده است که غدیر را جشن بگیرید، در آن شاد و خندان باشید و دیگران را بر سر سفره طعام مهمان کنید (که باید چنین کنیم)؛ اما باید بدانیم همه این‌ها برای برجسته‌سازی عید سعید غدیر است نه هدف غایی غدیر. هدف غایی غدیر، تحقق امر ولایت در برپایی حکومت است، هدف غایی غدیر، پیروی از امامت برای تحقق اسلام ناب محمدی، آن هم در سایه حکومت اسلامی است.

بزرگداشت و تعظیم شایسته‌ی غدیر، برای جلوگیری از تکرار عاشورا است. برای جلوگیری از طولانی شدن غیبت ولی‌الله‌الاعظم است و اگر مراسم مذهبی و تعظیم شعائر دینی، شایسته برگزار می‌شد و اگر شعائر دین زنده‌نگه داشته می‌شد و اگر ما در واقعه‌ی عید سعید غدیر، عید سعید مبعث، عید سعید فطر، عید سعید قربان، عید جمعه و ایام موالید اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، درست و شایسته عمل می‌کردیم؛ کار به مصیبت بعد از مصیبت و شهادت بعد از شهادت نمی‌کشید و شیعه عزادار نمی‌شد و از وجود نازنین امام زمان محروم نمی‌شد.

اشاره

یکی دیگر از علل و عوامل غیبت حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و طولانی شدن غیبت آن بزرگوار، عدم آمادگی یاران آن حضرت است.

ظهور منجی و مصلح جهانی نیاز به یاران شایسته، آزموده، زبده، کاردان، لایق، مهذب، فکور و پا به رکاب دارد.

یارانی که در اعتقاد مؤمن، در دین مخلص، در صفات وارسته، در گفتار راستگو، در رفتار متخلق، در برخورد خوش خلق باشند

یارانی که در پیکار آماده، در جهاد از خودگذشته، در عمل خودساخته، به شرایط زمان و مکان آگاه، در برابر سختی ها شکیبیا و در برابر حوادث مسئولیت پذیر باشند.

کارگزارانی که در سازماندهی منابع و استفاده از تمامی امکانات و ظرفیت های موجود، در تراز جهانی توانمند، در مدیریت اشخاص و اداره امور قدرتمند، در واگذاری مسئولیت ها شایسته و از قابلیت های لازم جهانی برخوردار باشند.

یارانی که با کسب لیاقت های لازم و با تمرین و تلاش، همه آمادگی ها را در خود ایجاد کرده و به تمام معنا خودساخته اند و برای رفع موانع ظهور از هیچ تلاش و کوششی و از هیچ مجاهدتی دریغ نمی کنند و یک پارچه برای تحقق مقدمات ظهور، قیام می کنند.

یارانی که چون آهن های آب دیده، محکم و استوار در برابر حوادث ایستاده و برای تحقق حکومت جهانی سر از پا نمی شناسند. چنانچه در روایت حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام آمده است که در صفات یاران حضرت امام مهدی می فرماید: «هی رجال کأنّ

قُلُوبِهِمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ، لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ، فِي ذَاتِ اللَّهِ»⁽¹⁾؛ آنان مردانی هستند که دل هایشان مانند پاره های آهن است و هیچ تردیدی نسبت به ذات مقدس خداوند ندارند.

یارانی که از ترفندهای جهانی دشمنان، آگاه و از راه های مبارزه با نقشه دشمنان، مطلع و در مراحل متعدد، خنثی سازی توطئه ها را تمرین کرده و موفق بوده باشند.

چرا که هنگامه ظهور، وقت آموزش نیست، وقت معطلی برای آمادگی یاران نیست، وقت کسب تجربه نیست، وقت آزمون و خطا نیست، وقت انتخاب غلط نیست، وقت تکرار اشتباهات صورت گرفته تا کنون نیست.

هنگامه ظهور دیگر وقت نافرمانی و سرپیچی نیست، وقت سستی و تبلی نیست، وقت منفعت طلبی و راحت طلبی نیست، وقت انتخاب گزینه ها دلخواه نیست.

باید بدانیم که با بی بصیرتی، با دین داری ادعایی، با عوام فریب، با کج فهمی، با سستی و تبلی، با راحت طلبی و منفعت طلبی و مصلحت طلبی و با انتخاب گزینه ها دلخواه نمی شود امام زمان را یاری کرد.

و از همه مهمتر این که بعضی بر این خیال باطلند که وقتی امام زمان ظهور کرد، با یک حرکت همه دشمنان را نابود می کند و با یک حرکت همه را تسلیم می کند و با یک معجزه بر جهان مسلط می شود، پس به خودسازی یاران نیاز نیست.

در حالی که بنا نیست منجی و مصلح جهانی با معجزه ظهور کند، با معجزه افراد را بسازد، با معجزه بر جهان حاکم شود، با معجزه کار حکومت را دنبال کند و با معجزه نظام جهانی را برقرار نماید. بلکه عمده رخدادها برای تحقق فرج و ظهور، بر روال طبیعی و بر اساس

ص: 38

پذیرش جهانی و آمادگی تمام عیار یاران و عملکرد شایسته کارگزاران خواهد بود.

امروز کسانی می توانند امام زمان را یاری کنند که:

1. اسلام را یک حقیقت و یک هدف بدانند نه یک مصلحت و یک وسیله؛
2. به اسلام ناب محمدی معتقد باشند و خود را از اسلام آمریکایی و شیعه انکلیسی جدا کنند؛
3. با خودسازی و تهذیب نفس، شایستگی خود را برای جهاد و شهادت ثابت کنند؛
4. با آموزش و تمرین و با تلاش و پشتکار، لیاقت های لازم را برای مدیریت جهانی در خود کسب کنند.
5. با تشخیص حق و باطل، به موقع و به هنگام، در دفاع از دین و رهبری، در صحنه حضور یابند و در هنگامه خطر گنج نشوند؛
6. با بصیرت دینی، جنگ ترکیبی دشمن را درست بشناسند و فریب آن را نخورند؛
7. بجای منافع خود، بر مصالح دین پافشاری کنند و حاضر باشند هزینه دینداری و حکومت جهانی را پردازند؛
8. بدون شک و تردید و بدون چون چرا و با شهامت و شجاعت، مخلصانه از جایگاه رهبری اسلامی و منویات آن، تا سرحد جان دفاع کنند.
9. اهل سکوت در برابر فساد و تباهی، و فسق و فجور، ظلم و ستم نباشند؛
10. اهل سازش با دشمنان بشریت و با استکبار جهانی (امریکا و اسرائیل) و عوامل آنان نباشند.

وقتی سخن از یاران واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در حکومت مصلح و منجی جهانی به میان می آید تصور نشود که منظور فقط 313 نفر مراد است، بلکه یاران منجی و یاوران ظهور، در حلقه های متعددی قرار دارند که 313 نفر حلقه اول آنان هستند و حلقه های بعدی هزار و ده هزار نفر خواهد بود.

حال سؤال این است چنین یارانی چه تعداد آماده هستند؟

و چه مقدار آمادگی دارند؟

ص: 40

اشاره

یکی از وظایف شیعه انتظار فرج حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»⁽¹⁾؛ برترین کارهای امت من، انتظار فرج است. انتظار فرج یک شعار نیست، یک آرزو نیست، بلکه یک عمل است که منتظر را به درجه شایستگی یک یار واقعی می رساند.

انتظار فرج سه گونه است و منتظران ظهور منجی و مصلح بشر سه گروه هستند:

گروه اول: نشسته به انتظار

گروه دوم: آماده به انتظار

گروه سوم: یار منتظر

گروه اول: نشسته به انتظار

این گروه به انتظار نشسته، منتظرند ببینند، منجی کی می آید، برای آمدنش دعا می کنند، نماز می خوانند، جمکران می روند، مویه می کنند،

ص: 41

1- . المجلسی، البحار الانوار، ج 52، ص 122.

خرج می دهند، نذر می کنند، مراسم جشن برپا می کنند و مدام از نیامدنش گله مندند که چرا مهدی فاطمه ظهور نمی کند؟

چرا یوسف گمگشته به کنعان نرسیده است؟

چرا کلبه احزان به گلستان نرسیده است.

این گروه منتظر صوری و ادعائی هستند، کاری به وظیفه ندارند، برای رفع موانع و فراهم نمودن مقدمات ظهور، عملی انجام نمی دهند بلکه برای ثوابش منتظر است.

بعضی از این گروه بی میل نیستند که آن بزرگوار نیاید؛ چرا که به اسم منتظر برای خود دکانی درست کرده و نگرانند که اگر بیاید منافعشان در خطر بیفتد، مانند یهود و نصارای زمان بعثت که با بیان علائم ظهور پیامبر خاتم برای خود برج بارویی ساخته بودند و کاسی می کردند اما آنگاه که آن بزرگوار ظهور کرد اولین کسانی بودند که به مخالفت با آن بزرگوار برخاستند.

بعضی از این گروه بی میل نیستند که آن بزرگوار نیاید چرا که اینان امام غایب را می خواهند نه امام حاضر را، چون امام غایب را هر گونه که بخواهند می توانند تفسیر کنند اما امام حاضر را باید فرمان ببرند.

اینان افراد منفعت طلب، جاه طلب، رفاه طلب و خودخواه هستند! که هنگامه ظهور حاضر نیستند حضرت را همراهی کنند، حاضر نیستند سختی قیام را به جان بخرند، حاضر نیستند هزینه بدهند، حاضر نیستند خطر کنند، بلکه انتظار دارند وقتی آن بزرگوار ظهور کرد، آنان را مورد لطف قرار دهد، آنان را تأیید کند، گوش به حرف آنان بدهد، طبق نظر آنان عمل کند و بجای خدماتی که کرده اند، جایگاهی در حکومت داشته باشند و از غنائم سهمی بیش از دیگران ببرند و اگر بدانند که این چنین نیست همه چیز را منکر می شوند مانند پهلوانی که به آرزوی خالکوبی نقش شیر بر شانه اش به دلاکی

مراجعه کرد و وقتی دلاک شروع به نقش زدن کرد و با درد آن مواجه شد از یکی یکی اعضا منصرف شد.

شیر بی دم و سر و اشکم که دید *** این چنین شیری خدا خود نافرید

مانند اکثریت لشکریان طالوت که وقتی لشکر جالوت را دیدند یک مرتبه جا زدند و گفتند: «قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ» (1) مانند سیاه لشکر اصحاب حضرت اباعبدالله الحسین، تا فهمیدند که حرف جنگ است نه غنائم، راه را کج کردند و آن بزرگوار را در میان معرکه رها کردند. مانند اصحاب حضرت موسی که برای بیرون راندن دشمن از بیت المقدس گفتند: «فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبِّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» (2).

چگونه می شود منتظر بود در حالی که تحمل آن بزرگوار را نداریم، چرا که در رفتار به کمترین احکام دینی عمل می کنیم، در گفتار، به کمترین اصول اخلاقی پایبندیم؛ در واجبات مالی، به حداقل ها اکتفا می کنیم؛ در انجام دستورهای سخت، طفره می رویم؛ در برابر سختی ها مشکلات ناآرامیم؛ در هنگامه خطر ناپایداریم؛ در رابطه با آموزه های دینی، رفتارهای متناقض داریم.

اینان به یقین آن گاه که ظهور کند ساز مخالف می زنند، مانند مردم کوفه که به حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نامه نوشتند که منتظر تو هستیم اما با یک نهیب ابن زیاد صحنه را خالی کردند و با یک وعده پوچ، به رویش شمشیر کشیدند.

مکتوب می رسید فراوان ولی دریغ *** خنثی تمام کوفی و مهرش فریب بود.

ص: 43

1- . سوره بقره، آیه 249.

2- . سوره مائده، آیه 24.

این ها هیچ کدام با «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوَلِيِّكَ الْفَرَجَ» سازگار نیست.

گروه دوم: آماده به انتظار

این گروه برای آمدنش هر گونه آمادگی را در خود ایجاد کرده و آماده اند برای هر وقت که بیاید، این انتظار، آمادگی می آورد و آمادگی، سبب سازندگی معنوی می شود و در نتیجه رستگاری را برای منتظر به دنبال خواهد داشت و این هدف انتظار است، چه در زمان منتظر، امام زمان ظهور کند و چه ظهور نکند.

این که می گویند: انتظار فرج يك عمل است منظور همین است که منتظر با عمل انتظار خودسازی می کند و رستگار می شود. نیست کس آگه که یار کی بنماید جمال، لیک تو باری به نقد ساخته ی کار باش. این انتظار بسیار ارزش دارد و بسیار مفید است، خاصه برای منتظر اما برای ظهور کافی نیست.

گروه سوم: یار منتظر

ظهور منجی عالم بشریت به یارانی: شایسته، آزموده، زبده، کاردان، لایق، مهذب، فکور و پا به رکاب لازم دارد. یارانی که در اعتقاد مومن، در عمل خودساخته، در دین مخلص، در صفات وارسته، در گفتار راستگو، در رفتار متخلق، در برخورد خوش خلق، در پیکار آماده و از خودگذشته، به شرایط زمان و مکان آگاه، در برابر سختی ها شکیبیا، در برابر حوادث مسئولیت پذیر باشند.

منتظر واقعی و یار منتظر کسی است که فراتر از يك منتظر و یک آماده به انتظار عمل می کنند، بلکه با کسب لیاقت های لازم، همه آمادگی ها را در خود ایجاد می کند و به تمام معنا خودساخته اند: «هی

رَجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ، لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ، فِي ذَاتِ اللَّهِ»⁽¹⁾؛ آنان مردانی هستند که دل هایشان مانند پاره های آهن است و هیچ تردیدی نسبت به ذات مقدس خداوند ندارند.

منتظر واقعی و یار منتظر کسی است که برای رفع موانع ظهور، برای تحقق مقدمات ظهور از هیچ تلاش و کوششی و از هیچ مجاهدتی دریغ نمی کند و برای یاری منجی در تشکیل حکومت جهانی با تمرین و تلاش، خود را آماده می کنند.

منتظر واقعی و یار منتظر کسی است که از هر جهت برای حکومت منجی و مصلح جهانی خود را آماده کرده است و برای هر فرمانی آماده و پا به رکاب است، او هرگز بهانه نمی آورد، سستی نمی کند، طفره نمی رود، چانه نمی زند و سرپیچی نمی کند.

و از همه مهمتر، برای حکومت منجی و مصلح جهانی، حاضر است هزینه بدهد تا این که سهم خواه باشد و باز از همه مهمتر این که در آماده سازی دیگران برای حکومت منجی و مصلح جهانی، خود را مسئول می داند و نقش آفرینی می کند.

آیا ما نشسته به انتظاریم یا آماده به انتظار یا یار منتظر؟

ص: 45

منشور اخلاقی انتظار فرج

مشخصه ها و شایستگی های منتظر واقعی

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

«رِجَالٌ كَانَتْ قُلُوبُهُمْ زُبْرَ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ» (1)

مردانی که دل های آنان همچون پاره آهن سخت و محکم است و در ایمان به خدا شک و تردید ندارند.

مقدمه

اشاره

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ» (2)؛ برترین کارهای امت من، انتظار فرج است. انتظار فرج یک شعار نیست، یک آرزو نیست، بلکه یک عمل است که منتظر را به درجه شایستگی یک یار واقعی می رساند.

ظهور منجی عالم بشریت یارانی: شایسته، آزموده، زبده، کاردان، لایق، مهذب، فکور و پا به رکاب لازم دارد. یارانی که در اعتقاد، مومن؛ در دین، مخلص؛ در صفات، وارسته؛ در گفتار، راستگو؛ در رفتار

ص: 46

1- . المجلسی، بحار الانوار، ج 52، ص 308.

2- . همان، ص 122.

متخلق؛ در برخورد، خوش خلق؛ در پیکار، آماده؛ در جهاد، از خود گذشته؛ در عمل، خودساخته؛ به شرایط زمان و مکان، آگاه؛ در برابر سختی ها، شکیبنا و در برابر حوادث، مسئولیت پذیر باشند. و منتظر واقعی باید این شایستگی ها را در خود ایجاد کند.

وقتی سخن از یاران واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، به میان می آید تصور نشود که منظور فقط 313 نفر مراد هستند، بلکه یاران منجی و یاوران ظهور، در حلقه های متعددی قرار دارند که 313 نفر حلقه اول آنان هستند و حلقه های بعدی هزار و ده هزار و ... نفر خواهد بود.

آن چه در این منشور اخلاقی به رشته تحریر درآمده است، مشخصه عمومی یاران منجی و ظهور است و در حقیقت باید گفت مشخصه تمام کسانی است که دعای "اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ" می خوانند و خود را منتظر می دانند.

بر اساس آیات و روایات، یاران واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، دارای مشخصه ها و شایستگی هایی هستند که در "منشور اخلاقی انتظار" به آن اشاره شده است.

اول: شیفته دانش و معرفت

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیفته دانش و معرفت است و این شایستگی در کسب دانش و معرفت و فراگیری معارف و آموزه های دینی؛ وقتی با عشق و علاقه به امام زمان عجیب گردید، تا عمق جان منتظر نفوذ کرده و عالمانه و عاشقانه در انتظار منجی خواهد بود. حضرت امام علی علیه السلام در صفات یاوران آن بزرگوار می فرماید: «رَجَالٌ مُّؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ»⁽¹⁾؛ مردان مومنی که خدا را چنان که شایسته است، شناخته اند.

دوم: دین باور

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، دین باور است و وقتی این دین باوری با فرهنگ انتظار، همراه شد، امید بخش شده و از مایوس شدن جلوگیری می کند.

سوم: متدین

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، انسان به تمام معنا متدین است و با انجام واجبات و ترک محرمات و حتی رعایت مستحبات و ترک مکروهات، نهایت کوشش خود را بکار می گیرد تا شایستگی خود را برای ظهور منجی به دست آورد.

ص: 48

1- . القندوزی، ینابیع المودة لذو القربى، ج 3، ص 298.

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک انسان به تمام معنا متعهد است و با تسلیم در برابر دستورات دین و تبعیت پذیری در برابر اوامر رهبران دینی، وظایف دینی را طبق دستور انجام می دهد تا جو دینی را در جامعه گسترش یابد.

پنجم: متعهد

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، اهل راز و نیاز و دعا و مناجات با حضرت حق، آن هم در دل شب می باشد. انتظار یک مبارزه است و منتظر واقعی یک مبارز و جهادگر است و باید با عظمت و پُرشکوه بروز و ظهور پیدا کند تا هم استواریش در مبارزه حفظ شود، هم استحکامش در جهاد پایجا بماند، مبارزه اش اثرگذار، اقدامش ماندگار، تلاشش کارساز باشد و هم از سستی، شکست و انحراف حفظ شود و ارتباط با خالق هستی، تضمین کننده ی همه این ها است و هرچه این ارتباط قوی تر و عمیق تر باشد؛ در تقویت فضای معنوی جامعه مؤثرتر است.

امام محمد باقر در باره صفات یاوران آن بزرگوار می فرماید: «فَيَسْتُونُ بَيْنَ رَاكِعٍ وَ سَاجِدٍ يَتَضَرَّعُونَ إِلَى اللَّهِ»⁽¹⁾؛ هنگامی که بخواهند شب را به صبح برسانند، در حال رکوع و برخی در حالت سجده شب را به سحر می کنند و به درگاه خدا تضرع می کنند.

امام صادق علیه السلام در همین زمینه می فرماید: «قَدْ أَثَرَ السُّجُودُ بِجَبَاهِهِمْ رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبَيْرُ الْحَدِيدِ»⁽²⁾؛ آثار سجده

ص: 49

1- . المجلسی، بحار الأنوار، ج 52، ص 343.

2- . همان، ص 386.

بر پیشانی آنها نقش بسته و آنان راهبان و عابدان شب هستند، و مردانی که گویی دل هایشان پاره های آهن است.

ششم: مخلص

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، انسان به تمام معنا مخلص است و جز برای خدا کاری انجام نمی دهد، برای انتظارش، سهم خواهی نمی کند، با انتظارش کاسبی نمی کند، با انتظارش عوام فریبی نمی کند، در انتظارش، کوفی صفت نیست.

هفتم: وارسته

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، انسان به تمام معنا وارسته و متخلق است و رفتار و کردارش با محاسن و مکارم اخلاق مزین گشته و الگوی شایسته برای همه افراد جامعه است.

هشتم: متعادل

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک انسان به تمام معنا متعادل است و در همه امور تعادل را نگه داشته و از افراط و تفریط گریزان است.

نهم: عزتمند

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک انسان به تمام معنا عزتمند است و در رفتار و گفتار، عزتمند عمل می کند و با رعایت شأن و منزلت منتظر، تن به خاری و خفت نمی دهد و از اعمالی که وهن شیعه و اسلام است، پرهیز می کند.

دهم: تسلیم

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک انسان به تمام معنا تسلیم اوامر و نواهی الهی است و هرگز سخن به شکایت و شکوه باز نمی کند و هرگز گله نمی کند که "چرا یوسف گم گشته به کنعان نرسیده است؟ چرا کلبه احزان به گلستان نرسیده است".

یازدهم: بصیر

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک انسان به تمام معنا بصیر و آگاه است و در برابر شرایط زمانه، با تشخیص صحیح و موضع گیری به هنگام، عمل کرده و ضمن پرهیز از سیاسی کاری، هرگز سیاست را از دین جدا نمی داند.

دوازدهم: انقلابی

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک انسان به تمام معنا انقلابی است. از حق و حقیقت دفاع می کند و با ظالمان و فاسدان در حال مبارزه است و در جانفشانی در راه اهل بیت عصمت و طهارت سر از پا نمی شناسد. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید: «لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا لَا يَقْصِدُونَ بِرَأْيَاتِهِمْ بَلَدَةً إِلَّا خَرَّبُوهَا»⁽¹⁾؛ آنان در مسیر قیام می توانند کوه ها را از جای برکنند و شهرها را زیر و رو کنند.

سیزدهم: آمر به معروف

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک آمر به معروف و یک ناهی از منکر است و تمام کوشش خود را برای اقامه

ص: 51

معروف و رهایی از منکر بکار می بندد و با احساس مسئولیت نسبت به جامعه، با اخلاق پسندیده و روش های جذاب، دیگران را به تدین و دین داری دعوت می نماید.

چهاردهم: کاردان، آزموده و خیره

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک انسان به تمام معنا کاردان، آزموده و خیره است و برای ایفای نقش در حکومت جهانی، با آموزش و تمرین، شایستگی خود را برای هر مأموریتی حفظ می نماید.

پانزدهم: مسئولیت پذیر

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک انسان به تمام معنا مسئولیت پذیر است و برای تحقق مقدمات فرج، برای رفع موانع ظهور و برای یاری منجی در تشکیل حکومت جهانی، از هیچ تلاش و کوششی، دریغ نمی کند و از هیچ مجاهدتی فروگذار نیست و برای تحقق منویات رهبری، سر از پا نمی شناسند و آرام و قرار ندارد و از تنبلی، بی حالی، سهل انگاری و کار را به دست حوادث و قضا و قدر سپردن بیزار است.

شانزدهم: خودساخته و مهذب

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، انسان به تمام معنا مهذب و خودساخته است و نه به عنوان منتظر صوری، بلکه به عنوان منتظر واقعی و از آن بالاتر به عنوان یار منتظر، با خودسازی و تهذیب نفس، شایستگی لازم برای شهروندی حکومت جهانی منجی و مصلح بشریت را کسب می کند.

منتظر واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک انسان به تمام معنا آماده است و با تمرین و تکرار، آمادگی خود را حفظ می کند و از همه مهمتر در آماده سازی دیگران برای حکومت منجی و مصلح جهانی، تلاش می کند.

نیست کس آگه که یار، کی بنماید جمال

لیک تو باری به نقد، ساخته ی کار باش

هجدهم: منتظر واقعی

اما در حقیقت منتظر واقعی، خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که نزدیک به دوازده قرن است که منتظر است تا این آمادگی در پیروانش بوجود بیاید.

مسیرت مشخص، امیرت مشخص *** مکن دل، دل ای دل، بزنی دل به دریا

اگر عاشقانه هوادار یاری

اگر مخلصانه گرفتار یاری

اگر آبرو می گذاری به پایش

بگو چند جمعه گذشتی ز خوابت؟

چه اندازه در ندبه ها زار یاری؟

به شانه کشیدی غم سینه اش را؟

و یا چون بقیه تو سربار یاری؟

به گریه شبی را سحر کردی یا نه؟

چه مقدار بی تاب و بیمار یاری؟

تمدن مهدوی و حکومت جهانی حضرت مهدی

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (1)

و ما بعد از تورات در زبور (داوود) نوشتیم همانا بندگان شایسته وارث زمین خواهند شد.

«وَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (2)

و ما بر آنیم که بر مستضعفان منت نهیم و آنان را پیشوا و وارث زمین گردانیم.

عمده مباحث پیرامون منجی و مصلح جهانی حضرت صاحب عصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در باره علامات ظهور و یا کم و کیف ظهور یا شرایط هنگامه ی ظهور یا چگونگی قیام منجی است اما درباره چگونگی تمدن مهدوی و حکومت جهانی که یکی از مباحث بسیار مهم و ضروری است، کمتر سخن گفته شده است که در این بخش به اختصار به آن پرداخته می شود.

ص: 54

1- . سوره انبیاء، آیه 105.

2- . سوره قصص، آیه 5.

1. دانشمندان و اندیشمندان بر این باورند که بافت نظام طبیعی جهان به گونه ای است که یک حاکمیت را طلب می کند و تضاد و تخالف برای سلامت این بافت، یک تهدید خطرناک است؛
2. امکان اداره یک پارچه جهان با پیشرفت تکنولوژی که دنیا را به دهکده ای کوچک تبدیل کرده است؛ از دیروز راحت تر و از امروز ضروری تر است؛
3. آن چه ابر قدرت ها را در تصاحب جهان، به وسوسه انداخته است بخاطر همین باور و بخاطر همین امکان است؛
4. همواره بشر در آرزوی زندگی ایده آل، خانواده، خانه و فرزندان ایده آل، فرزندان در حسرت پدر و مادر ایده آل، دختران در پی شوهران ایده آل و پسران در پی همسران ایده آل، بوده و هستند، و این آرزو از دیر باز تا کنون ذهن بشر را به خود مشغول کرده است؛
5. این آرزوها، فکر و اندیشه بسیاری از اندیشمندان و جامعه شناسان را به خود مشغول کرده است و ایشان مجموعه این آرزوها را به عنوان جامعه ایده آل، یا آرمان شهر یا مدینه فاضله مطرح کرده و هر کدام طرحی را برای آن تدوین نموده اند؛
6. آگوستین در شهر خدا، توماس مور در ناکجاآباد و فرانسیس بیکن در آتلانتیس، طرح هایی را برای مدینه فاضله ارائه داده اند. افلاطون در رساله جمهوری، کهن ترین طرح مدینه فاضله را و فارابی در کتاب آراء، اولین مدینه فاضله دینی را ارائه داده است.

مکاتب الهی در ارائه الگوی مدینه فاضله از همه مکاتب و از همه دانشمندان و اندیشمندان پیش قدم بوده و دین مبین اسلام مدینه فاضله واقعی و عملی را به عنوان عظیم ترین تحول تاریخ بشر، در قالب تمدن مهدوی و حکومت جهانی به بشریت هدیه داده است. آنچه مدینه فاضله اسلام را از سایر طرح ها و ایده ها متمایز و ممتاز ساخته، ویژگی های این جامعه آرمانی است.

تار و پود ساختار هر تمدنی را افراد آن می سازند، برای رسیدن به جامعه ی آرمانی لازم است، افراد آن جامعه به رشد کافی برسند، جایگاه واقعی و کمال حقیقی خود را پیدا کنند و از کرامت و بزرگواری برخوردار شوند. و از آن جایی که تمدن مهدوی و حکومت جهانی، با ساختار هستی و قوانین طبیعت هماهنگ است؛ تنها حکومتی است که می تواند عقول بشر را به رشد و به بلوغ لازم برساند و بشر را در جایگاه واقعی و کمال حقیقی خود قرار دهد و به مقام کرامت و بزرگواری انسانی رهنمون سازد.

تمدن مهدوی و حکومت جهانی، تنها حاکمیتی است که می تواند گنجینه های عقل عملی و نظری بشر را بارور کند و انسان را از نظر عقل، به بلوغ واقعی و از نظر ایمان، به کمال حقیقی برساند و ایمان و اعتقاد، و کرامت و بزرگواری را در شهروندان خود راسخ سازد.

تمدن مهدوی و حکومت جهانی، تنها حاکمیتی است که می تواند از نظر عقل نظری، بشر را به رشد و کمال برساند و از نظر عقل عملی، بشر را به کرامت و بزرگواری رهنمون سازد و حقیقتی که برای رسیدن به جامعه ی آرمانی و انسان های آرمانی لازم است.

تمدن مهدوی و حکومت جهانی، تنها حاکمیتی است که در راستای مأموریت انبیاء الهی، می تواند اهداف عالی خلقت را محقق سازد، اصل کتاب زندگی را به روی بشر بگشاید، بشر را از مقدمه زندگی عبور

دهد تا به کمال لایق و جایگاه واقعی خود برسد و جامعه آرمانی و مدینه فاضله شکل گیرد.

تمدن مهدوی و حکومت جهانی، سرفصل شکوفایی و اول رشد و تعالی بشر است، اول شکوفایی همه ظرفیت های مادی و معنوی و اول پیشرفت و تمدن واقعی جهان است. در حقیقت با آمدن مصلح جهانی؛ زندگی واقعی بشر، تازه شروع می شود و با رسیدن به سرمنزل مقصود؛ در دنیا به خوشبختی و سعادت و در آخرت به فلاح و رستگاری می رسد.

آن چه که بشر برای زندگی شرافتمندانه نیاز دارد از صلح و آرامش تا امنیت و آبادانی، از آزادی و استقلال تا حریت و جوانمردی، از قسط و عدل تا احسان و نیکوکاری، از عزت و شرافت تا فرهنگ و معنویت، از صفا و صمیمیت تا سعادت دنیا و آخرت، از رشد و کمال تا کرامت و بزرگواری؛ در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، دست یافتنی می شود.

در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، جهان سرشار از مواهب طبیعی می شود، بشر به امنیت و آرامش: «وَلَيَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»⁽¹⁾، به آبادانی و رفاه، به عدالت اقتصادی دست می یابد، اندیشه های ناب و علوم و فنون به اوج خود می رسند، تولید علم، تولید فناوری، تولید صنعت پاک، برای خدمت به خلق، به اوج شکوفایی می رسد، 27 حرف دیگر علم از 29 حرف، برای بشر نمایان می شود، تمام همت بشر در خدمت پیشرفت و تمدن حقیقی قرار می گیرد، زمین و آسمان مسخر انسان می گردد: «سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»⁽²⁾، بشر به آبادانی زمین می پردازد و انسان های شایسته به زیر آورند چرخ نیلوفری را.

ص: 57

1- . سوره نور، آیه 55.

2- . سوره جاثیه، آیه 13.

1. در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، طبیعت از خساست و ناسازگاری دست برمی دارد، ذخایر خود را نمایان می سازد، دیگر برای امرار معاش دست به سوی دیگران دراز نمی شود، رنج بیکاری کسی را آزار نمی دهد؛
2. در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، باران رحمت سرتاسر زمین را آبیاری می کند، دیگر زمین خشک و بی آب و علف یافت نمی شود، مردم به سفره های آب زیر زمینی دست درازی نمی کنند و برای چند نار(1) آب به جان هم نمی افتند؛
3. در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، درختان مثمر، سرشار از میوه های رنگارنگ و سالم، دل باغبانان را شاد می کند و برای سود بیش تر، میوه نارس، با مواد شیمیایی، بجای میوه رسیده به بازار عرضه نمی شود؛
4. در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، غذای سالم و مفید در دسترس قرار می گیرد، مواد شیمیایی و خطرناک از سفره های مردم جمع می شود، دیگر اسید به عنوان آبلیمو و امثال اینها به خورد مردم داده نمی شود؛
5. در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، با رعایت اصول بهداشتی؛ صحت و سلامتی به جامعه باز می گردد، دردهای ناعلاج و بیماری های خاموش و خطرناک از جامعه رخت برمی بندد؛
6. در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، محیط زیست با طراوت وصف ناشدنی جلوه گر می شود، دیگر ریزگردها و صنایع عصر قجر، فضا را آلوده نمی کند؛

ص: 58

1- . نار. وزنی است معادل 4 مثقال، ده نار وزنی است معادل دو سیر و نیم یعنی چهل مثقال، و پنج نار معادل ده مثقال است.

7. در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، بشر از جور قانون های پیچیده، سازمان های عریض و طویل، دیوان سالاری های دست و پاگیر، مجریان پرهزینه و پر ادعا، دستگاه پیچیده قضایی، سازمان های گسترده انتظامی، مسئولیت های بی اساس، شغل های کاذب، و واسطه گری های خانمان سوز؛ خلاص می شود و در نتیجه بیچارگی ها، بدبختی ها، رنج ها، خفت و خاری های هوار شده بر گرده بشر؛ رخت بر می بندد.

8. در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، بشر از دست عوام فریبی نجات پیدا می کند، دیگر سلبریتی های بزرگ شده توسط مردم، برای ملت شاخ و شانه نمی کشند و با ظاهر سازی مردم را فریب نمی دهند. دیگر کسی در برابر منکر گرنش نمی کند و در برابر معروف خروش ندارد.

9. در پرتو تمدن مهدوی و حکومت جهانی، دیگر کسی برای ترویج حق، رودروایسی نمی کند و برای بیان حقیقت، مردد نمی شود و برای دفاع از مظلوم خجالت نمی کشد.

انسان در تمدن مهدوی و حکومت جهانی

تمام رنج های بشر بخاطر بی خردی و بی ایمانی است، بی خردی و بی ایمانی بشر را هم با خود و هم با طبیعت درگیر کرده و مشکلات طبیعی را صدچندان بر گرده او افکنده و او را به فلاکت کشانده است. امروز ضعف عقل بشر را به بدبختی و بیچارگی و ضعف ایمان بشر را به انحطاط کشانده است، در نتیجه نگذاشته است بشر به رشد کافی برسد و گویی بشر در این شرایط، هنوز دوران طفولیت خود را می گذراند.

رنج‌ها و آسیب‌های رسیده به بشر، ظلم‌ها و ستم‌های تحمیل شده بر بشر، فساد و فحشای هوار شده بر گرده بشر، دروغ و نیرنگ‌های رسوخ کرده در زندگی بشر، بی‌عدالتی‌های حاکم بر جامعه بشری و بحران‌های به وجود آمده؛ جان بشر را به لب آورده است.

اگر بشر با تمام مواهب طبیعی و خدادادی، با تمام رشد و ترقی، با تمام پیشرفت و تمدن، با تمام علم و دانش؛ هنوز با فقر و گرسنگی، با دروغ و نیرنگ، با فساد و فحشا، با قتل و غارت، با اعتیاد خانمان سوز دست و پنجه نرم می‌کند و وضعیتی بهتر از دوران توحش ندارد؛ بخاطر این است که نه از ناحیه خرد و نه از ناحیه ایمان به رشد کافی نرسیده است.

اگر بشر با تمام پیشرفت و تمدنی که بدست آورده؛ هنوز با بیچارگی و بدبختی دست و پنجه نرم می‌کند و گوئی در مقدمه زندگی مانده و درجا می‌زند و در حقیقت دوران طفولیت خود را می‌گذراند؛ به دلیل بی‌خردی و بی‌ایمانی است.

اگر امروز بشر با بحران معنویت، بحران اخلاق، بحران هویت، بحران تعقل، بحران معرفت، بحران فرهنگ، بحران روانی، بحران آرامش روبرو است؛ بخاطر بی‌خردی و بی‌ایمانی است.

اگر پیشرفت‌های بدست آمده؛ بشر را به آرامش لازم نرسانده و هر روز بیشتر از دیروز آرامش بشر را به خطر انداخته است بخاطر بی‌خردی و بی‌ایمانی است.

اگر امروز تمام ثروت دنیا در سه مقوله جنگ، عیاشی و اعتیاد مصرف می‌شود؛ بخاطر بی‌خردی و بی‌ایمانی بشر است.

وقتی انسان در تمدن مهدوی و حکومت جهانی، به رشد و کمال رسید و در جایگاه کرامت و بزرگواری قرار گرفت:

1. زندگیش بر شرافت، عزت و آقائی استوار می شود از ذلت و پستی گریزان است؛
2. زندگیش بر راستی و صداقت استوار می شود، از دروغ و ادعاهای واهی گریزان است؛
3. زندگیش بر درستی استوار می شود، از نیرنگ و فریب گریزان است؛
4. زندگیش بر پاکی، عفت و حیا استوار می شود از ناپاکی و پلشتی گریزان است؛
5. زندگیش بر جدیت و تلاش استوار می شود از تنبلی، کسلی، بی حالی و بی نشاطی گریزان است؛
6. به حق خود قانع است، رانت خواری و رشوه خواری نمی کند؛
7. دیگران را بر خود مقدم می دارد، با جوسازی حق کسی را پایمال نمی کند؛
8. به وعده ها و قرارهایش پایبند است، وعده خلافی نمی کند؛
9. برای مردم احترام قائل است، به آنان توهین نمی کند؛
10. به قانون احترام می گذارد، بدون نیاز به مجری قانون، به سمت خلاف و تخلف و جرم نمی رود؛
11. برای مال دیگران احترام قائل است، به مال مردم دست درازی نمی کند؛
12. بیت المال را امانت می داند، در آن خیانت نمی کند؛
13. مسئولیت را بر اساس شایسته سالاری می داند، برای پست و مقام، کسی را تخریب نمی کند؛
14. بیشترین فعالیت را با کمترین ادعا همراه می کند؛

15. دیگران را، بهتر از خود می داند و کمتر از آن چه هست خود را نشان می دهد؛

16. در رفتارهای فردی و اجتماعی؛ اخلاقی عمل می کند و از خودنمایی، منت گذاری، فخرفروشی، تکبر، غرور، منیت، گریزان است؛

17. دیگر جنگ های خانمان سوز آرامش و امنیت جامعه را بهم نمی زند؛

18. دیگر تبلیغات دروغین، آمارهای غلط، اخبار دروغ، مردم را فریب نمی دهد؛

19. دیگر سه هدف نامشروع و خانمان سوز عیاشی، اعتیاد و جنگ، سرمایه های بشری را تباه نمی کند؛

20. دیگر بی دینی و بی بندوباری نشان تمدن نمی باشد؛

21. دیگر مطلا بجای طلا به مردم قالب نمی شود و نقش طلا را در جامعه بازی نمی کند؛

22. دیگر هیچ بی سروپایی، جامعه را ملتهب نمی کند.

«در آرزوی آن روز بکوشیم و خود را آماده کنیم»

ص: 62

پیوند راهپیمایی اربعین با حکومت جهانی

مقدمه

یکی از ارزش های والای راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی، پیوند آن با حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است. راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی با ویژه گی هایی که دارد؛ زمینه ساز ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود است.

آن شخصیت والا و آن رهبر قیام حماسی عاشورا، که با حرکت مقدسش اسلام را حفظ کرد؛ زیارت اربعین اش، مقدمات ظهور مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز فراهم می کند، به همین خاطر سید و سالار شهیدان در بین انوار مقدس ائمه اطهار علیهم السلام از همه برجسته تر است که فرمود: «كُلُّنَا سَفَرُ النَّجَاةِ وَ لَكِنَّ سَفِينَةَ جَدِي الْحُسَيْنِ أَوْسَعُ وَ فِي لُجَجِ الْبِحَارِ أَسْرَعُ»⁽¹⁾؛ همه ما اهل بیت کشتی های نجاتیم، ولی کشتی جدم حسین وسیع تر و در عبور از امواج سهمگین دریاها سریع تر است.

ص: 63

راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی از چند جهت با حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود پیوند ناگسستنی دارد یا به تعبیر بهتر حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود به مقدماتی نیاز دارد که همه آن مقدمات در راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد که به بعضی از آن اشاره می شود.

مصادیق پیوند راهپیمایی با حکومت جهانی

اول: سرمایه های انسانی آماده

قیام و ظهور مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود در حلقه های متعدد نیاز به نیروی میلیونی مؤمن، آموزش دیده، خبره، کارکشته، آزموده و با تجربه دارد به گونه ای که به تعبیر امیر بیان حضرت علی علیه السلام: «لَمْ يَسَّ بِقَهُمُ إِلَّا وُلُونَ وَ لَا يَدْرِكُهُمُ إِلَّا جُرُونَ»⁽¹⁾؛ پیشینیان، در فضایل از آنان سبقت نیافته و آیندگان به مرتبه آنان نرسند. این سرمایه های انسانی که باید همه ویژگی هایی لازم را برای اداره جهان دارا باشند؛ در کجا باید آموزش ببینند؟ کجا باید آمادگیشان را تمرین کنند؟ این جمعیت میلیونی برای تمرین در کدام مکان، در چه زمان، در کدام رزمایش، در کدام اردوگاه باید اردو بزنند؟ آیا اردوگاهی بهتر، وسیع تر و جامع تر از راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد؟

دوم: هم صدایی (وحدت و برادری بین ملل اسلامی)

مرکزیت حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود غرب قاره آسیا یعنی ایران، عراق، شامات است، ملت های این کشورها برای حکومت یک پارچه جهانی منجی عالم بشریت باید یک

ص: 64

1- - المقدسی الشافعی السلمی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر (علیه السلام)، ج 1، ص 175.

دل و یک جهت شوند و وحدت و برادری، همدلی و همراهی خود را به اوج برسانند، تفاوت های کاذب را رها کند، برتری های نژادی را کنار بگذارد، از دشمنی ها و حرکت های تفرقه انگیز و اختلاف افکن پرهیز نمایند و یکپارچگی خود را برای حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت آماده کنند و در برابر دشمن واقعی آماده باشند. آیا برای شروع و تمرین وحدت و هم دلی؛ بهتر از راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد؟

سوم: زندگی مسالمت آمیز بین مسلمانان

ملل مسلمان از نظر فرهنگ، آداب و رسوم تفاوت های بسیاری با یکدیگر دارند و این در حالی است که برای حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود عیج الله تعالی فرجه الشریف، ملل مسلمان، با تمامی تفاوت های فرهنگی که دارند؛ در راه هدف مقدس شان، زودتر و بهتر از دیگر ملل، باید زبان یکدیگر را بفهمند، همدیگر را درک کنند، آداب و رسوم یکدیگر (که در بعضی از موارد ضد هم است) را تحمل کنند و بتوانند در یک حکومت واحد جهانی با همکاری، تعاون و تعامل پیوسته؛ زندگی مسالمت آمیز داشته باشند. آیا برای شروع و تمرین زندگی مسالمت آمیز؛ بهتر از راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد؟

چهارم: آشنایی با چهره واقعی شیعه

همه دشمنان اسلام با همکاری مزدوران شان مانند گروه های تکفیری القاعده، داعش و آل سعود، یک چهره ناپسند از شیعه به دنیا نشان داده اند و این در حالی است که هنگامه ظهور؛ تمامی بشریت باید با چهره ارزشمند و صلح طلب اسلام آشنا باشند، از اهداف و آرمان های حکومت جهانی مطلع باشند، مذهب تشیع را به عنوان مذهب نجات بخش بشری بشناسند، نسبت به شیعه به عنوان کارگزاران حکومت

جهانی، ذهنیت خوب داشته باشند تا ملت‌ها؛ قیام و ظهور مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را به راحتی همراهی کنند. آیا برای آشنایی با چهره واقعی شیعه و صلح طلبی دین مبین اسلام و اهداف و آرمان‌های حکومت جهانی؛ بهتر از راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد؟

پنجم: آشنایی با رهبری حکومت جهانی

هنگامه ظهور همه جهانیان باید با رهبری قیام یعنی مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، به خوبی آشنا باشند و اصل و نسب و اجداد طاهرین و کمالات و فضایل بی‌بدیل آن حضرت را به خوبی بشناسند تا به راحتی قیام آن بزرگوار را همراهی کنند. آیا برای آشنایی ملل جهان با رهبری قیام و اصل و نسب آن بزرگوار؛ بهتر از راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد؟

ششم: نمونه قابل ارائه

حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ حکومت یکپارچه و وحدت‌آفرین بین تمام ملت‌ها است و ملت‌ها در اوج برادری و تعاون برای یک زندگی شرافتمند؛ همکاری و تعامل پیوسته خواهند داشت. آیا برای نشان دادن یک نمونه قابل ارائه به جهان، بهتر از راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی وجود دارد؟

بر این اساس زائر اربعین سید و سالار شهیدان، حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام با نیت زمینه‌سازی ظهور مصلح جهانی و منجی بشریت؛ باید در راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی شرکت نمایند و با عمل به منشور اخلاقی تربیتی راهپیمایی باشکوه و حماسی اربعین حسینی و با رعایت آداب و شرایط، حدود و ثغور، به ندای هل

من ناصر حضرت أبا عبد الله الحسين عليه السلام ليبيك گوید و در فراهم شدن مقدمات ظهور حکومت مصلح جهانی و منجی بشریت حضرت مهدی موعود نقش آفرین باشد.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ

ص: 67

آیاتی که به امام زمان تطبیق یا تفسیر شده است

1. «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»⁽¹⁾؛ این کتابی است که در آن هیچ تردیدی نیست و مایه هدایت تقوایندگان است. آنان که به غیب ایمان می آورند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند. در برخی از روایات «غیب» در این آیه به امام غایب تفسیر شده است⁽²⁾.
2. «أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا»⁽³⁾؛ هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را به سوی خود باز می آورد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که این آیه درباره قائم آل محمد و اصحابش نازل شده، که بدون قرار و وعده قبلی جمع خواهند شد⁽⁴⁾.
3. «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ»⁽⁵⁾؛ قطعاً شما را به چیزی از قبیل ترس و گرسنگی و کاهشی در اموال و جان ها و محصولات می آزماییم. در روایتی،

ص: 68

1- . سوره بقره، آیه 1 تا 3.

2- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 18.

3- . آیه 148 سوره بقره.

4- . الشيخ الكليني، الكافي، ج 8، 313.

5- . سوره بقره، آیه 55 .

امام صادق علیه السلام پس از ذکر برخی از نشانه های ظهور، این آیه را خواند(1).

4. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»(2)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید. در روایتی از امام باقر علیه السلام، به وظایف منتظران از جمله رابطه با امام زمان اشاره شده است(3).

5. «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»(4)؛ کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا آنان را گرامی داشته یعنی با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدم اند. در روایتی از امام صادق علیه السلام، نبیین به پیامبر و صدیقین به امام علی علیه السلام و شهدا به حسنین علیه السلام و صالحان به ائمه اطهار و حسن اولئک رفیقاً به حضرت مهدی تفسیر شده است(5).

7. «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ»(6)؛ و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن. از امام باقر علیه السلام روایت شده که روزهای خداوند سه روز است: روزی که قائم پیا خیزد، روز رجعت و روز قیامت(7).

ص: 69

- 1- . المجلسی، بحار الانوار، ج 52، ص 229.
- 2- . سوره آل عمران، آیه 200.
- 3- . النعمانی، الغیبه للنعمانی، ص 199.
- 4- . سوره نساء، آیه 69.
- 5- . قمی، تفسیر القمی، ج 1، ص 142-143.
- 6- . سوره ابراهیم، آیه 5.
- 7- . الفیض الکاشانی، تفسیر الصافی، ج 2، ص 338.

7. «قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْ نِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» (1)؛ گفت: پروردگارا، پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده. خداوند فرمود: تو از مهلت یافتگانی، تا روز و وقت معلوم. بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام، وقت معلوم در این آیه به وقت قیام قائم آل محمد تفسیر شده است (2).

8. «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» (3)؛ و به راستی، به تو سبع المثانی یعنی سوره فاتحه و قرآن بزرگ را عطا کردیم. در روایتی از امام باقر علیه السلام سبعاً من المثانی به امامان و قرآن العظیم به امام زمان تفسیر شده است (4).

9. «يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا» (5)؛ آنچه را که آنان در پیش دارند و آنچه را که پشت سر گذاشته اند می داند و حال آنکه ایشان بدان دانشی ندارند. از امام صادق علیه السلام روایت شده که منظور از عبارت «وَمَا خَلْفَهُمْ»، اخبار حضرت مهدی علیه السلام است (6).

10. «وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَيْسَىٰ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا» (7)؛ و به یقین پیش از این با آدم پیمان بستیم، ولی آن را فراموش کرد و برای او عزمی استوار نیافتیم. بر اساس روایتی از امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه، خدا از پیامبران بر ربوبیت خود، نبوت پیامبر اسلام و امامت امامان شیعه و نیز به مهدی که به وسیله

ص: 70

1- . سوره حجر، آیه 36 و 37.

2- . الحسيني البحراني، البرهان في تفسير القرآن، ج 3، ص 286.

3- . سوره حجر، آیه 87.

4- . عياشي، تفسير العياشي، ج 2، ص 250.

5- . سوره طه، آیه 110.

6- . عياشي، تفسير العياشي، ج 2، ص 250.

7- . سوره طه، آیه 115.

او برای دینش یاری می گیرد، دولتش را به سبب او آشکار می سازد و از دشمنانش انتقام می گیرد، پیمان گرفت(1).

11. «قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبُّوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى»(2)؛ بگو: همه در انتظارند. پس در انتظار باشید. زود باشد که بدانید یاران راه میانه کیانند و چه کسی راه یافته است. در روایتی از امام کاظم علیه السلام، راه میانه، راه به حضرت مهدی علیه السلام تفسیر کرده است و هدایت را مربوط به کسی دانسته که به طاعت او راه یافته باشد(3).

12. «وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ»(4)؛ و روز جزا را دروغ می شمردیم، تا مرگ ما در رسید. در روایتی یوم الدین به روز قائم و یقین به روز ظهور حضرت مهدی تفسیر شده است(5).

13. «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً»(6)؛ و نعمت های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است. در روایتی امام موسی بن جعفر علیه السلام نعمت باطنی را به امام غایب تفسیر کرده است(7).

14. «وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ»(8)؛ و اگر از جانب پروردگارت پیروزی رسد حتماً خواهند گفت: «ما با شما بودیم. از

ص: 71

1- ابن قولویه القمی، کامل الزیارات، 1356ش، ص 63.

2- سوره طه، آیه 135.

3- الشیخ الكلینی، الکافی، ج 8، ص 287.

4- سوره مدثر، آیه 46 و 47.

5- قمی، تفسیر القمی، ج 2، ص 65.

6- سوره لقمان، آیه 20.

7- الصفار القمی، بصائر الدرجات، ج 1، ص 70.

8- سوره عنکبوت، آیه 10.

امام صادق علیه السلام روایت شده، منظور از نصرت پروردگار، حضرت مهدی علیه السلام است(1).

15. «وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ»(2)؛ و خدا می خواست حق را با کلمات خود ثابت و کافران را ریشه کن کند. تا حق را ثابت و باطل را نابود گرداند، هر چند بزهکاران خوش نداشته باشند. در روایتی از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه منظور از کسی که باطل را نابود می سازد امام زمان دانسته شده است(3).

16. «إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي»(4)؛ خداوند شما را به وسیله رودخانه هایی خواهد آزمود. پس هر کس از آن بنوشد از پیروان] من نیست. از امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه نقل شده که اصحاب امام زمان علیه السلام هم، مانند یاران طالوت، امتحان و آزمایش می شوند(5).

17. «وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»(6)؛ سوگند به عصر غلبه حق بر باطل، که واقعاً انسان دست خوش زیان است. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده منظور از عصر در این آیه، زمان ظهور و خروج مهدی علیه السلام است(7).

ص: 72

1- . الاسترآبادی النجفی، تأویل الآيات الظاهرة، ص 317.

2- . سوره انفال، آیه 7 و 8.

3- . الکوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص 658.

4- . سوره بقره، آیه 249 .

5- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 368.

6- . سوره والعصر، آیه 1.

7- . قمی، تفسیر القمی، ج 2، ص 149.

18. «وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ»⁽¹⁾؛ و دین ثابت و پایدار همین است. بر اساس روایتی امام صادق علیه السلام منظور از «دینُ الْقِيَمَةِ» حضرت مهدی است⁽²⁾.
19. «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»⁽³⁾؛ آن شب تا صبحگاهان، صلح و سلام است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام، از عبارت «مَطْلَعِ الْفَجْرِ» به طلوع فجر حضرت مهدی علیه السلام تعبیر شده است⁽⁴⁾.
20. «وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى»⁽⁵⁾؛ سوگند به روز چون جلوه گر شود. در برخی از روایات، ذیل این آیه از روز، به ظهور امام زمان علیه السلام تفسیر شده است⁽⁶⁾.
21. «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا»⁽⁷⁾؛ سوگند به روز چون زمین را روشن گرداند. امام صادق علیه السلام در روایتی، روز را در این آیه به حضرت مهدی علیه السلام تفسیر کردند⁽⁸⁾.
22. «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ»⁽⁹⁾؛ سوگند به آسمان که آکنده از برج است. از پیامبر نقل شده که منظور از بروج در این آیه امامان

ص: 73

-
- 1- . سوره بینه، آیه 5.
 - 2- . عیاشی، تفسیر العیاشی، ج 2، ص 50.
 - 3- . سوره قدر، آیه 5.
 - 4- . النعمانی، الغیبه للنعمانی، ص 316.
 - 5- . سوره لیل، آیه 2.
 - 6- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 656.
 - 7- . سوره شمس، آیه 3.
 - 8- . الاسترآبادی القمی، تأویل آیات الظاهره، ص 801.
 - 9- . سوره بروج، آیه 1.

هستند که نخستین آنان علی علیه السلام و آخرین ایشان مهدی است (1).

23. «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً» (2)؛ آیا خبر غاشیه به تو رسیده است؟ در آن روز، چهره هایی زبوند، که تلاش کرده، رنج بیهوده برده اند، ناچار در آتشی سوزان درآیند. در روایتی از امام صادق علیه السلام این آیه به قیام حضرت قائم تفسیر شده است (3).

24. «فَلَا أُفْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَّارِ الْكُنَّسِ» (4)؛ نه! سوگند به اختران گردان، کز دیده نمانشوند و از نو آیند. در روایتی از امام باقر علیه السلام این آیه اشاره به غیبت امام زمان و ظهورشان دارد (5).

25. «فَذَلِكِ يَوْمِئِذٍ يَوْمَ عَسِيرٍ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرِ يَسِيرٍ» (6)؛ آن روز چه روز ناگواری است! بر کافران آسان نیست. از امام صادق علیه السلام نقل شده که این آیه اشاره به ظهور و قیام امام زمان دارد (7).

26. «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفٌ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا» (8)؛ باش تا آنچه را وعده داده می شوند ببینند، آنگاه دریابند که یاور چه کسی ضعیف تر و کدام یک شماره اش کمتر است. در روایتی امام کاظم علیه السلام منظور از این آیه را امام

ص: 74

1- . استرآبادی، تأویل آیات الظاهره، ص 794.

2- . سوره غاشیه، آیه 1 تا 4.

3- . قمی، تفسیر القمی، ج 2، ص 425.

4- . سوره تکویر، آیه 15 و 16.

5- . الاسترآبادی القمی، تأویل آیات الظاهره، ص 778.

6- . سوره مدثر، آیه 9 و 10.

7- . الاسترآبادی القمی، تأویل آیات الظاهره، ص 778.

8- . سوره جن، آیه 24.

زمان و یارانش دانسته است. یعنی کافران می بینند که امام زمان و یاورانش ضعیف و کم شماره نیستند(1).

27. «خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرَاهُمْ ذَلَّةً ذَلَّةً ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ»(2)؛ دیدگانشان فرو افتاده، غبار مذلت آنان را فرو گرفته است. این است همان روزی که به ایشان وعده داده می شد. امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید؛ منظور از روز موعود، روز خروج و ظهور حضرت مهدی علیه السلام است(3).

28. «وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ»(4)؛ و کسانی که روز جزا را باور دارند. امام باقر علیه السلام درباره این آیه می فرماید: منظور از روز جزا، روز ظهور و خروج حضرت مهدی علیه السلام است(5).

29. «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»(6)؛ می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا، گر چه کافران را ناخوش افتد، نور خود را کامل خواهد گردانید. از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده است که منظور از: خداوند نور خود را کامل خواهد گردانید، ولایت حضرت مهدی است(7).

ص: 75

1- . مفید، الاختصاص، ص 224.

2- . سوره معارج، آیه 44.

3- . الشيخ الكليني، الكافي، ج 8، ص 50.

4- . سوره معارج، آیه 26.

5- . الشيخ الكليني، ج 1، ص 341.

6- . سوره صف، آیه 8.

7- . الشيخ الكليني، ج 1، ص 343.

30. «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (1)؛ بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می گرداند. در روایتی از امام باقر علیه السلام، زنده کردن زمین به وسیله حضرت مهدی تفسیر شده است (2).

31. «يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ» (3)؛ تبهکاران از سیمایشان شناخته می شوند و آنان را از موهای پیش سر، و پاهایشان می گیرند و به دوزخ می افکنند. در روایتی از امام صادق علیه السلام: هنگام قیام، خداوند شناخت چهره ها را به امام زمان عطا می کند (4).

32. «فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ» (5)؛ پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین، که واقعاً او حق است همان گونه که خود شما سخن می گوید. در روایتی امام زین العابدین علیه السلام حق را به قیام امام زمان تفسیر کرده اند (6).

33. «وَاسْمَعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ» (7)؛ و روزی که منادی از جایی نزدیک ندا می دهد، به گوش باش. روزی که فریاد رستاخیز را به حق می شنوند، آن روز، روز بیرون آمدن از زمین است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام، صیحه به نام امام زمان و یوم الخروج به رجعت تفسیر شده است (8).

ص: 76

- 1- .سوره حدید، آیه 17.
- 2- .العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ج 5، ص 242.
- 3- .سوره الرحمن، آیه 41.
- 4- .الصفار القمی، بصائر الدرجات، ج 1، ص 356.
- 5- .سوره ذاریات، آیه 23.
- 6- .الاسترآبادی القمی، تأویل الآیات الظاهره، ص 596.
- 7- .سوره ق، آیه 41 و 42.
- 8- .قمی، تفسیر القمی، ج 2، ص 327.

34. «لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»(1)؛ اگر کافر و مؤمن از هم متمایز می شدند، قطعاً کافران را به عذاب دردناکی معذب می داشتیم. در روایتی از امام صادق علیه السلام مراد آیه این است: به تأخیر انداختن مجازات منافقین و کفار تا ظهور افراد باایمانی که در صلب آنهاست(2).

35. «قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُ وَالَّذِينَ لَا يَزُجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»(3)؛ به کسانی که ایمان آورده اند بگو تا از کسانی که به روزهای پیروزی خدا امید ندارند درگذرند، تا خدا هر گروهی را به سبب آنچه مرتکب می شده اند به مجازات رساند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام، روز قیام امام زمان از ایام الله است(4).

36. «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ»(5)؛ آیا جز این انتظار می برند که رستاخیز ناگهان بر آنان در رسد؟ در حالی که حدس نمی زنند. در روایتی امام باقر علیه السلام منظور از ساعت را ظهور و قیام حضرت مهدی دانسته است(6).

37. «وَلَمَنِ اتَّصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ»(7)؛ و هر که پس از ستم دیدن خود، یاری جوید و انتقام گیرد، نکوهشی بر ایشان نیست. بر اساس روایتی که از امام باقر در تفسیر القمی

ص: 77

-
- 1- .سوره فتح، آیه 29.
 - 2- .العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ج 5، ص 70.
 - 3- .سوره جاثیه، آیه 14.
 - 4- .الاسترآبادی القمی، تأویل الآیات الظاهره، ص 558-559.
 - 5- .سوره زخرف، آیه 66.
 - 6- .الاسترآبادی القمی، تأویل الآیات الظاهره، ص 552.
 - 7- .سوره شوری، آیه 41.

نقل شده، آیه به انتقام گرفتن، امام زمان و یارانش از بنی امیه، تکذیب کنندگان و ناصبی ها تفسیر شده است(1).

38. «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ^ط وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤَتْهُ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ»(2)؛ کسی که کِشت و محصول آخرت بخواد، برای وی در کِشت و محصولش می افزاییم و کسی که کِشت و محصولش این دنیا را بخواد به او از آن می دهیم ولی در آخرت او را نصیبی نیست. در روایتی از ما لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ به دولت حضرت مهدی تعبیر شده است(3).

39. «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»(4)؛ به زودی نشانه های خود را در افق های گوناگون و در دل های ایشان نشان خواهیم داد، تا برای ایشان روشن گردد که او خود حق است. در روایتی امام باقر علیه السلام این آیه را به خروج و ظهور حضرت مهدی علیه السلام تفسیر کرده است(5).

40. «لَنُنذِرَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»(6)؛ تا در زندگی دنیا عذاب رسوایی را بدانان بچشانیم. در روایتی عذاب الخزی به عذاب دنیوی مخالفان لجوج، قبل از قیام امام زمان علیه السلام تفسیر شده است(7).

ص: 78

1- . قمی، تفسیر القمی، ج2، ص278.

2- . سوره شوری، آیه 20.

3- . الشيخ الكليني، الكافي، ج1، ص436.

4- . سوره فصلت، آیه 53.

5- . النعماني، الغيبة للنعماني، ص269.

6- . سوره فصلت، آیه 16 .

7- . النعماني، الغيبة للنعماني، ص269.

41. «وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (1)؛ و اما ثمود، پس آنان را راهبری کردیم ولی کوردلی را بر هدایت ترجیح دادند، پس به کیفر آنچه مرتکب می شدند صاعقه عذاب خفت آور آنان را فروگرفت. امام صادق علیه السلام ثمود را در این آیه به گروهی از شیعه که همانند ثمود، از روی سرکشی حقایق وحی را تکذیب کردند و صاعقه را به عقوبت شمشیر هنگام ظهور تفسیر کرده اند (2).

42. «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» (3)؛ و زمین به نور پروردگارش روشن گردد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که پروردگار زمین، یعنی امام زمین که بعد از ظهورش مردم از نورش بهره می برند (4).

43. «وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ» (5)؛ و قطعاً پس از چندی خبر آن را خواهید دانست. در روایتی از امام باقر علیه السلام منظور از «وَلَتَعْلَمُنَّ» هنگام خروج مهدی علیه السلام است (6).

44. «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ» (7)؛ و بی گمان، ابراهیم از پیروان اوست. درباره امامان و از جمله حضرت مهدی و صفات شیعیانشان (8).

ص: 79

- 1- .سوره فصلت، آیه 17.
- 2- .الاسترآبادی القمی ، تأویل الآيات الظاهرة، ص 777.
- 3- .سوره زمر، آیه 69.
- 4- .الفيض الكاشاني، تفسير الصافي، ج 4، ص 331.
- 5- .سوره ص، آیه 88.
- 6- .الشيخ الكليني، الكافي، ج 8، ص 287.
- 7- .سوره صافات، آیه 83.
- 8- .الاسترآبادی القمی ، تأویل الآيات الظاهرة، ص 486.

45. «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَأَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ» (1)؛ وای کاش می دیدی هنگامی را که کافران وحشت زده اند پس آنجا که راه گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده اند. در بحارالانوار، روایاتی از پیامبرگرمی و امام باقر علیه السلام نقل شده که نشان می دهد از مصادیق این آیه، خروج سفیانی به هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام است (2).

46. «قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ» (3)؛ بگو: روز پیروزی، ایمان کسانی که کافر شده اند سود نمی بخشد و آنان مهلت نمی یابند. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده، روز فتح و پیروزی روزی است که دنیا بر روی حضرت مهدی علیه السلام گشوده می شود (4).

47. «وَلَيَذِيقَنَّاهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذَنِيِّ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (5)؛ و قطعاً غیر از آن عذاب بزرگتر، از عذاب این دنیا نیز به آنان می چشانیم، امید که آنها به خدا بازگردند. در روایتی از امام صادق علیه السلام منظور از عذاب اکبر خروج مهدی علیه السلام با شمشیر در آخر الزمان دانسته شده است (6).

48. «وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ» (7)؛ و در آن روز است که مؤمنان از یاری خدا شاد می گردند. بر اساس روایتی از امام صادق علیه

ص: 80

-
- 1- . سوره سبأ، آیه 51 .
 - 2- . الفيض الكاشاني، تفسير الصافي، ج 4، ص 331.
 - 3- . سوره سجده، آیه 29 .
 - 4- . عیاشی، تفسير العیاشی، ج 2، ص 57.
 - 5- . سوره سجده، آیه 21 .
 - 6- . الاسترآبادی القمی، تأویل الآيات الظاهرة، ص 438.
 - 7- . سوره روم، آیه 4.

السلام، منظور از خوشحالی مومنان در آن روز، روز قیام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام است(1).

49. «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»(2)؛ اگر بخواهیم، معجزه ای از آسمان بر آنان فرود می آوریم، تا در برابر آن، گردن هایشان خاضع گردد. از امام باقر علیه السلام نقل شده است که این آیه درباره حضرت مهدی علیه السلام نازل شده که اسم او از سوی آسمان اعلام خواهد شد(3).

50. «أَفْرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ. ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ. مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ»(4)؛ مگر نمی دانی که اگر سالها آنان را برخوردار کنیم. و آنگاه آنچه که بدان [بیم داده می شوند بدیشان برسد. آنچه از آن برخوردار می شدند، به کارشان نمی آید و عذاب را از آنان دفع نمی کند؟ در روایتی امام صادق علیه السلام جمله «ما كَانُوا يُوعَدُونَ» را به ظهور و قیام امام زمان و جمله «ما كَانُوا يُمْتَعُونَ» به بنی امیه تفسیر کرده اند(5).

51. «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»(6)؛ همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده وامی دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها از آن خداست. در بعضی از

ص: 81

1- . الحسيني البحراني، ، البرهان في تفسير القرآن، ج 4، ص 401.

2- . سورة شعراء، آیه 4.

3- . الطبري الصغير، دلائل الامامه، ص 464-465.

4- . سورة شعراء، آیه 205 تا 207 .

5- . الاسترآبادي القمي، تأويل الآيات الظاهرة، ص 383-384.

6- . سورة حج، آیه 41.

روایات، این آیه به حضرت مهدی علیه السلام و یارانش تفسیر شده است(1).

52. «وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقَدْ لَئِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَضِرُّ وَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»(2)؛ و می گویند: چرا معجزه ای از جانب پروردگارش بر او نازل نمی شود؟ بگو: غیب فقط به خدا اختصاص دارد. پس منتظر باشید که من هم با شما از منتظرانم. در روایتی از امام صادق علیه السلام غیب به حضرت قائم تفسیر شده است(3).

53. «أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا وَالسَّيِّئَاتِ أَنْ يَحْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ ضًا أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ»(4)؛ آیا کسانی که تدبیرهای بد می اندیشند، ایمن شدند از این که خدا آنان را در زمین فرو برد، یا از جایی که حدس نمی زنند عذاب برایشان بیاید؟ در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه، به ظهور مردی از آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به همراه سیصد و سیزده تن اشاره شده است(5).

54. «أَتَى أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ»(6)؛ هان امر خدا در رسید، پس در آن شتاب نکنید. او منزّه و فزادتر است از آنچه با وی شریک می سازند. در روایات ائمه علیهم السلام منظور از امرالله، به ظهور امام زمان علیه السلام اشاره دارد(7).

ص: 82

-
- 1- . الیزدی الحائری، الزام الناصب، ج 1، ص 79.
 - 2- . سوره یونس، آیه 20.
 - 3- . البحرانی، المحجّة فیما نزل فی القائم الحجّه (عجل الله تعالی فرجه و الشریف)، ص 99.
<https://pdf.lib.eshia.ir/96162/1/99>
 - 4- . سوره نحل، آیه 45.
 - 5- . قمی، تفسیر القمی، ج 2، ص 87.
 - 6- . سوره نحل، آیه 1.
 - 7- . شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 18.

55. «حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَرَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرٌ مِّنَّا فَانجَىٰ مَنْ نَّشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ» (1)؛ تا هنگامی که فرستادگان ما نومید شدند و مردم پندارند که به آنان واقعاً دروغ گفته شده، یاری ما به آنان رسید. پس کسانی را که می خواستیم، نجات یافتند، ولی عذاب ما از گروه مجرمان برگشت ندارد. در روایتی از علی علیه السلام، مومنان در دوره غیبت زندگی سختی دارند تا این که با نصرت الهی و ظهور امام زمان، در کارشان گشایش می افتد (2).

56. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (3)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را نیز اطاعت کنید. در تفسیر آیه فایده امام غایب به خورشید پشت ابر تشبیه شده است که مردم از نور خورشید سود می برند هر چند که ابری آن را بپوشاند (4).

57. «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» (5)؛ هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است و به سوی او بازگردانیده می شوید. در روایتی از امام صادق علیه السلام، این آیه به ظهور امام زمان و بواسطه آن هدایت همگان به سوی کلمه توحید اشاره دارد (6).

ص: 83

-
- 1- . سوره یوسف، آیه 110.
 - 2- . عیاشی، تفسیر العیاشی، ج 1، ص 65-66.
 - 3- . سوره نساء، آیه 59.
 - 4- . النعمانی، الغیبه للنعمانی، ص 198.
 - 5- . سوره آل عمران، آیه 83.
 - 6- . الطبری الصغیر، دلائل الامامه، ص 471.

58. «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قَلِيلٌ مَّا نُنْتِظِرُ وَإِنَّا مُنْتِظِرُونَ» (1)؛ روزی که پاره ای از نشانه های پروردگارت پدید آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی بخشد. بگو: منتظر باشید که ما هم منتظریم. امام صادق علیه السلام منظور از یوم در «یوم یأتی بعض آیات ربک» را روز ظهور حضرت مهدی دانسته است (2).

59. «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (3)؛ و از میان قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می کنند و به حق داوری می نمایند. در روایتی از امام صادق علیه السلام، برخی از مومنین قوم موسی علیه السلام، جزو یاران و یاوران حضرت مهدی علیه السلام خواهند بود (4).

60. «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (5)؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت جهاد داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست. امام صادق علیه السلام این آیه را درباره حضرت مهدی علیه السلام می داند چون که خروج کند، برای امام حسین علیه السلام خونخواهی نماید (6).

61. «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا وَأَكِيدُ كَيْدًا فَمَهْلِلِ الْكَافِرِينَ أَهْمَهُمْ زُوَيْدًا» (7)؛ آنان دست به نیرنگ می زنند و من نیز دست به نیرنگ

ص: 84

1- . سوره انعام، آیه 158.

2- . الخزاز القمی الرازی، کفایه الاثر، ص 54-55.

3- . سوره اعراف، آیه 59.

4- . عیاشی، تفسیر العیاشی، ج 1، ص 13.

5- . سوره حج، آیه 39.

6- . عیاشی، تفسیر العیاشی، ج 2، ص 32.

7- . سوره طارق، آیه 15 تا 17.

می زنم. پس کافران را مهلت ده و کمی آنان را به حال خود واگذار. از امام صادق علیه السلام نقل شده منظور از مهلت به کافران این است که تا زمان خروج و ظهور امام زمان، به آنان مهلت داده می شود(1).

ص: 85

1- . العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ج 4، ص 94.

1. قرآن كريم
2. شيخ صدوق (381ق)، كمال الدين و تمام النعمه، محقق: غفارى، على اكبر، تهران، ناشر اسلاميه، 1395ق.
3. الطبرسى النورى، حسين، النجم الثاقب فى احوال الامام الغايب، بتحقيق سيد ياسين موسى.
4. المجلسى، الشيخ محمد باقر بن محمد تقي، بحار الانوار، موسسه الوفاء، 1403 هـ-ق.
5. شيخ حر العاملى، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات. لبنان- بيروت، الموسسه الاعلمى للمطبوعات.
6. الطوسى، محمد بن الحسن، كتاب الغيبة للحجة، محقق: تهرانى، عباد الله و ناصح، على احمد، قم، دارالمعارف الاسلاميه، 1411ق.
7. عياشى، محمد بن مسعود (320ق)، تفسير العياشى، محقق: رسولى محلاتى، سيد هاشم، تهران، ناشر المطبعة العلمية، 1380ق.
8. النعمانى، محمد بن ابراهيم (260ق)، الغيبة للنعمانى، محقق: غفارى، على اكبر، تهران، نشر صدوق، 1397ق.
9. البحرانى، سيد هاشم، المحجة فيما نزل فى القائم الحجه (عجل الله تعالى فرجه و الشريف)، محقق: محمد منير الميلانى، لبنان، موسسه النعمان، 1413 هـ-.
10. الكورانى العاملى، الشيخ على، معجم أحاديث الإمام المهدي، قم، نشر مؤسسة المعارف الاسلامية، 1411 هـ-ق.
11. الشيخ الكليني (329ق)، الكافي- ط الاسلاميه، المحقق: غفاري على اكبر و آخوندي، محمد، تهران، دار الكتب الإسلامية، 1407ق.
12. القندوزي، سليمان بن ابراهيم، ينابيع المودة لذو القربى، دار الاسوة للطباعة والنشر المطبعة: اسوه.

13. شوشتری، شیخ جعفر (1303ق)، الخصائص الحسينیه.

14. المقدسی الشافعی السلمی، یوسف بن یحیی بن علی بن عبدالعزیز، عقد الدرر فی اخبار المنتظر (علیه السلام)، قم، مسجد مقدس جمکران، 1382ش.

15. قمی، علی بن ابراهیم (قرن 3ق)، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، 1404ق.

16. الفیض الکاشانی، العلامة شیخ محمد محسن (1091ق)، تفسیر الصافی، لبنان- بیروت، الموسسه الاعلمی للمطبوعات، 1415ق.

17. الحسینی البحرانی، السید هاشم (1107 هـ-)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسة البعثة، 1374ش.

18. ابن قولویه القمی، ابی القاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن، کامل الزیارات، مكتبة الصدوق، 1356ق.

19. الصفار القمی، محمد بن الحسن (290ق)، بصائر الدرجات، تهران، منشورات الاعلمی، 1404ق.

20. الاسترآبادی النجفی، تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العترة الطاهرة، قم، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، 1409ق.

21. الكوفی، فرات (307ق)، تفسیر فرات الكوفی، محقق: كاظم، محمد، تهران، مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي، 1410ق.

22. مفید، محمد بن محمد (413ق)، الإختصاص، محقق: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، 1413ق.

23. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة (1112ق)، تفسیر نور الثقلین، محقق: رسولی محلاتی، سید هاشم، قم، اسماعیلیان، 1415ق.

24. الطبری الصغیر، محمد بن جریر، دلائل الإمامة، الناشر: البعثة، 1413ق.

25. اليزدى الحائرى، على(1323ق)، الزام الناصب فى اثبات الحججه الغائب عجل الله تعالى فرجه الشريف ، بيروت، مؤسسه الاعلمى ، 1422ق.

26. الخزاز القمى الرازى، الشيخ ابوالقاسم على بن محمد بن على(قرن4ق)، كفاية الأثر، فى النصوص على الأئمة الإثني عشر، 1401ق.

ص: 88

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

